

## روز خونین غزنی و زابل؛

### انفجارها ۳۵ تن را به کام مرکز فرستاد



شهریان غزنی و زابل روز یکشنبه، نهم قوس را خونین آغاز کردند. حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح یک مهاجم انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری اش را در نزدیکی یک پایگاه نیروهای ارتش در غزنی منفجر کرد. براساس آمارهای ریاست صحت عامه این ولایت، دست کم ۳۱ سرباز ارتش در این انفجار کشته و ۳۰ سرباز دیگر زخمی شده اند. شورای ولایتی غزنی نیز این آمار را تایید می کند و می گوید که ممکن است شمار تلفات این حادثه بیشتر از این شود. به گفته اعضای شورای ولایتی غزنی، شماری از سربازان هنوز زیر آوار گیر مانده اند. وزارت دفاع ملی و مقام ولایت غزنی اما شمار کشته گان را ده تن و ارقام زخمیان را هفت تن می دانند. با این همه، شورای ولایتی غزنی کارکرد نهادهای امنیتی به ویژه نهادهای کشفی را زیر پرسش می برد و می گوید که به دلیل کم کاری این نهادها، زمینه برای این حمله فراهم شده است.

## غضنفر گروپ بیش از هفت میلیارد افغانی به دولت بدهکار است

غضنفر گروپ ۱۲ سال پیش حدود ۶۵ میلیون دالر (معادل پنج میلیارد افغانی) از کمک های جاپان را با «فریب» زیر نام سه شرکت های مختلف از وزارت مالیه دریافت کرد.



### «برنامه های استراتژیک» برای مهار بی برقی؛ برشنا می گوید که برق کابل به روال عادی برگشته است



### رابطه ی تنش آلود؛ اختلافات استراتژیک افغانستان و پاکستان

سالانه از ۸۰ میلیارد متر مکعب آب افغانستان، ۶۰ میلیارد متر مکعب آن به کشورهای همسایه، خصوصاً پاکستان می رود و بخش بزرگ نیاز پاکستان به آب را مرفوع می کند. بر مبنای آمارها، حدود ۲۵ میلیون تن در اطراف بستر دریای کابل در بخش زراعت مصروف هستند و از آب آشامیدنی آن استفاده و نیاز شان را تأمین می کنند. پاکستان نگران است که مبادا سدسازی و ساخت و ساز بندها در بستر این رودخانه، به اقتصاد و زراعت آن کشور ضربه بزند.



### آرامگاه واعظ کاشفی؛ لانہ معتادان دیروز، جاذبه گردش گری امروز



بازسازی آرامگاه و باغ «کمال الدین مولانا حسین واعظ کاشفی» که از یک سال پیش در هرات آغاز شده بود، به پایان رسید و روز یکشنبه، نهم قوس، این ساختمان تاریخی به ریاست اطلاعات و فرهنگ سپرده شد. مسوولان نهاد «ACHCO» حفظ میراث های فرهنگی افغان» می گویند که بازسازی این ساختمان با حمایت مالی سفارت امریکا انجام شد و...

### امنیت ملی؛

### طالبان در تلاش اند که براساس هدایت شورای کویته برساحات مزدحم حمله کنند، اما مسوولیت نگیرند

کابل: ریاست عمومی امنیت ملی اعلام کرد که نیروهای ویژه این ریاست با اجرای عملیاتی، هسته مابین گذار گروه طالبان را از شهر کابل بازداشت کرده است. این ریاست گفته است که با توجه به اطلاعاتی که در اختیار دارد، گروه طالبان براساس هدایت شورای کویته، درصدد است تا در ساحاتی که تجمع مردم زیاد است، حملات تروریستی را اجرا کند، ولی مسوولیت آن را برعهده نگیرد. امنیت ملی می گوید، به افراد طالبان که حملات را در این مناطق اجرا می کنند، دستور داده شده است که از گرفتن مسوولیت خودداری کنند. این ریاست روز یکشنبه، نهم قوس با نشر خبرنامه ای از فرد بازداشت شده به نام «نقیبالله» یاد کرده است که توسط مشهودالله و دادالله از فرماندهان طالبان به عضویت این گروه درآمد است. طبق اطلاعات ریاست عمومی امنیت ملی، نقیبالله ۱۴ بار در مورد رفت و برگشت کاروان های نیروهای امنیتی به ولسوالی

### دفع حمله طالبان بر ولسوالی نسی؛ دو سرباز کشته و پنج سرباز دیگر زخمی شدند

۸ صبح، بدخشان: پولیس بدخشان می گوید که حمله طالبان برای تصرف ولسوالی نسی این ولایت ناکام شده است. شورای ولایتی بدخشان می گوید که در پی حمله طالبان دو نیروی مرزی کشته و پنج تن دیگر زخمی شده اند. باشندگان ولسوالی نسی شمار کشته گان را شش تن و زخمیان را سه تن گزارش داده اند. ثناءالله روحانی، سخنگوی پولیس بدخشان، گفت که گروه طالبان روز یکشنبه، نهم قوس، یک رشته حمله های تهاجمی را به هدف تصرف ولسوالی نسی اجرا کرد که به ناکامی انجامیده است. سخنگوی پولیس بدخشان می گوید که در نتیجه این درگیری ها هفت تن از نیروهای امنیتی زخمی شده اند که به نسبت مشکلات نبود امکانات به مرکز ولایت انتقال داده نشده اند. روحانی گفت که به گروه طالبان نیز در این نبرد تلفات سنگین وارد شده است و در حال حاضر جنگ خاتمه یافته و نیروهای امنیتی بر ساحت تسلط دارند.

#آریانا\_از\_شماست



کابل - دهلی - کابل هفته سه پرواز

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI  
DEP: 10:00 AM Local Time  
ARR: 01:00 PM Local Time

DELHI - KABUL  
DEP: 02:30 PM Local Time  
ARR: 03:30 PM Local Time

+93 (0) 790 07 1333 | flyariana.com | 1333

Delhi Flights





## سازمان همکاری‌های اسلامی سه قطع‌نامه را در مورد افغانستان صادر کرد



طبق اعلام وزارت خارجه، سازمان همکاری‌های اسلامی از طالبان خواسته است که خشونت‌ها را کاهش دهند و با برقراری آتش‌بس موافقت کنند.

سازمان همکاری‌های اسلامی از طالبان خواسته است که خشونت‌ها را کاهش دهند و با برقراری آتش‌بس موافقت کنند. در قطع‌نامه‌های سازمان همکاری‌های اسلامی از کشورهای عضو این سازمان خواسته شده است که از خشونت‌ها در افغانستان حمایت نکنند که به یک راه حل سیاسی دست یابد.

وزارت خارجه می‌گوید که سازمان همکاری‌های اسلامی حمایتش را از پروژه‌های مختلف زیربنایی که هدف آن تقویت همکاری میان افغانستان و همسایه‌هایش می‌باشد، اعلام کرده است. این پروژه‌ها شامل خط آهن فرا - افغانستان، پروژه تابی و پروژه «کاسا یک هزار» انتقال برق منطقه‌ای است.

این قطع‌نامه‌ها موضوعات مانند صلح، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، مهاجران و همکاری‌های منطقه‌ای را شامل می‌شود.

صباح، کابل: سازمان همکاری‌های اسلامی سه قطع‌نامه را در مورد افغانستان صادر کرده است. این قطع‌نامه در جریان چهل‌وهفتمین نشست شورای وزیران سازمان همکاری‌های اسلامی صادر شده است.

طبق اعلام وزارت خارجه، این قطع‌نامه‌ها در مورد اوضاع افغانستان، جنایات داعش و ابتکارات منطقه‌ای در حمایت از افغانستان است. دولت افغانستان از صدور قطع‌نامه‌های سازمان همکاری‌های اسلامی استقبال کرده است و آن را به مثابه حمایت جهان اسلام از افغانستان عنوان کرده است.

نشست شورای وزیران خارجه سازمان همکاری‌های اسلامی در هفتم و هشتم قوس در شهر نیامی کشور نایجیر برگزار شد. حنیف اتمر، وزیر امور خارجه به نمایندگی از افغانستان در این نشست شرکت کرده بود.

## تشدید خشونت مردم را از مذاکرات صلح ناامید کرده است

دو ماه از گفت‌وگوهای صلح دوحه گذشته است، آرزوی مردم افغانستان این بود که این گفت‌وگوها خشونت‌های موجود را پایان دهد؛ اما تداوم بن‌بست‌ها با تشدید جنگ و حملات ادامه یافت و اینک امید رسیدن به صلح و پایان خشونت‌ها در میان مردم کم‌رنگ شده است.

ادامه‌ی جنگ در ولایات، تشدید حملات با ماین‌های کنارجاده، ماین‌های چسپکی و ترورهای هدفمند افراد ملکی در کلان‌شهرها و اخیراً بالا رفتن شمار حملات انتحاری بر ساحات ملکی و اهداف نظامی، این امید را به صفر رسانده است.

گروه طالبان با شروع مذاکرات ادعا کرد که حملات بر بزرگ‌شهرها را کاهش می‌دهد؛ اما اینک دوباره این حملات آغاز یافته است و به گونه‌ی روزمره از مردم افغانستان در شهرهای مختلف قربانی می‌گیرد.

انفجار در مرکز ولایت بامیان و حملات مورتیمب در شهرهای زابل و غزنی، نشان می‌دهد که عطش جنگ و خون‌ریزی هنوز فروکش نکرده است و با گذشت هر روز راه رسیدن به صلح دشوارتر می‌شود.

هر چند طالبان مسوولیت حملات اخیر را به دوش نگرفته‌اند؛ اما بر همه‌گان معلوم است که شرایط ابهام‌آمیز صلح و عدم پذیرش آتش‌بس، انگشت اتهام را به سوی این گروه برگردانده است.

تا زمانی که طالبان شرط آتش‌بس را نپذیرند، چنین خشونت‌هایی را هر گروهی که انجام دهد، مردم طالبان را نیز مقصر می‌دانند. بر همه‌گان معلوم است که با شروع مذاکرات و سپردن تعهد از جانب طالبان، خشونت‌ها دست‌کم در شهرها کاهش یافته بود. با تداوم بن‌بست در مذاکرات و انجام چند حمله‌ی بزرگ بر شهرهایی چون لشکرگاه، غزنی و کندز از جانب طالبان، عملاً بن‌بست مذاکرات روشن شد و تشدید جنگ پیامد اصلی آن بود. هر زمانی که طالبان اعلام کرده که خشونت‌ها را کاهش داده‌اند، خشونت‌ها اگر در میدان جنگ ادامه یافته، دست‌کم در شهرها کاهش یافته است.

طالبان پس از شروع مذاکرات دوحه، بر اساس توافق‌نامه‌ی صلحی که با امریکایی‌ها امضا کرده بودند، متعهد به کاهش خشونت‌ها بودند. اینک با وجود تأکید بر مرجعیت آن سند، خود شان به مفاد آن سند پایبند نیستند.

چیزی که روشن است، این است که عدم اعلام آتش‌بس از جانب طالبان باعث شده است تا گروه‌های دیگری نیز از این خلاء استفاده کنند و به انجام عملیات وحشیانه‌ی دست بزنند.

حمله به دانشگاه کابل و شماری از خبرنگاران در مرکز و ولایات را گروه‌های انجام می‌دهند که از فضای تب‌آلود جنگ موجود استفاده می‌کنند. طالبان هر چند دست‌داشتن در این حملات را رد کرده‌اند؛ اما معلوم است که اگر طالبان به آتش‌بس تن دهند، میزان حملات خونین گروه‌های دیگری که مسوولیت چنین حملاتی را می‌پذیرند، پایین می‌آید و مهار عملیات تخریب‌کارانه‌ی این گروه‌ها نیز ساده‌تر می‌شود.

مردم افغانستان از ابهام پیش‌آمده خسته‌اند. مردم افغانستان امروز از آدرس‌های گوناگون مورد حمله قرار می‌گیرند و روزمره قربانی جنگی هستند که هیچ‌کس برای پایان یافتن آن تلاش صادقانه نمی‌کند.

چه کسی در این جنگ‌ها قربانی می‌شود؟ روستاهای افغانستان امروز پر از خانواده‌های بی‌سرپرستی است که جنگ جاری، اعضای این خانواده‌ها را از آن‌ها گرفته است. این خانواده‌های بی‌سرپرست ریشه‌های بحران آینده‌ی افغانستان را در خود می‌پرورانند. اگر ریشه‌ی جنگ‌های کنونی را در کنار مداخلات بیگانه‌گان در فقر و عقب‌مانده‌گی فرهنگی روستاهای افغانستان بدانیم، جنگ موجود میلیون‌ها انسان فقیر، دردمند و بی‌سواد را به میراث می‌گذارد.

هر گروهی که می‌خواهد در آینده‌ی افغانستان نقشی داشته باشد، باید برای توقف خون‌ریزی‌های جاری تلاش کند. صلح با جنگ به دست نمی‌آید، صلح به معنای پایان جنگ است و حسن نیتی که طالبان در شرایط کنونی می‌توانند، نشان دهند فقط و فقط با توقف خشونت‌ها و پذیرش آتش‌بس ممکن است. حکومت افغانستان نیز باید تمام تلاشش را برای رسیدن به صلح انجام دهد و از مسایل سلیقه‌ای و کوچک عبور کند تا از مرگ بی‌امانی که روزانه در افغانستان شهروندان را تهدید می‌کند، جلوگیری شود.

صلح بها می‌خواهد و این بها را باید همه‌ی طرف‌ها بپردازند. این بهای صلح اما نباید واقعیت‌های افغانستان جدید را نادیده بگیرد، لازم است تا طالبان نیز خواسته‌هایشان را در چارچوب واقعیت‌های جدید و برگشت‌ناپذیر افغانستان بیان کنند.

## از سرگیری رای اعتماد؛ شش نامزدوزیر برنامه‌های شان را به مجلس ارائه کردند

هیأت اداری این نهاد روز گذشته با محمد اشرف غنی، رئیس جمهور دیدار کردند. طبق اعلام ارگ، در دیدار رئیس جمهور با هیأت اداری مجلس نماینده‌گان، روی هم‌آهنگی بین دو قوه دولت گفت‌وگو شده است. رئیس جمهور از تأیید صلاحیت ۱۰ عضو کابینه از سوی مجلس نماینده‌گان سپاس‌گزاری کرده است. در این دیدار روی یک سلسله راهکارها نیز توافق شده است.

مجلس نماینده‌گان در اول ماه قوس به فضل‌احمد معنوی، حنیف اتمر، عبدالهادی ارغندیوال، محمدمسعود اندرابی، اسدالله خالد، معصومه خاوری، عباس بصیر، محمدقاسم حلیمی، بشیراحمد تهنیج و نثاراحمد غوریانی رای اعتماد داد. این افراد به ترتیب برای تصدی کرسی‌های وزارت‌های عدلیه، امور خارجه، مالیه، امور داخله، دفاع ملی، مخابرات و تکنولوژی معلوماتی، تحصیلات عالی، ارشاد، حج و اوقاف، کار و امور اجتماعی و صنعت و تجارت نامزد بودند.

هم‌چنان انوارالحق احدی نامزد وزارت زراعت، آبیاری و مالداری، احمدضیا سراج نامزد ریاست عمومی امنیت ملی و محمدطاهر زهیر، سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ در سوم قوس برنامه‌های‌شان را به مجلس توضیح دادند. قرار است اعضای باقی‌مانده کابینه در نشست‌های بعدی برنامه‌های‌شان را ارائه کنند و سپس مجلس برای تأیید صلاحیت این مقام‌ها صندوق بگذارد.

صباح، کابل: مجلس نماینده‌گان پس از توقف روند رای اعتماد به اعضای کابینه، این روند را روز یکشنبه، نهم قوس از سر گرفت. شش نامزد وزیر برنامه‌های کاری‌شان را به مجلس ارائه کردند.

در نشست روز یکشنبه حسینیه صافی نامزد وزارت امور زنان، محمدهارون چخان‌سوری نامزد وزارت معادن و پترولیوم، قدرت‌الله ذکی، نامزد وزارت ترانسپورت، نوررحمان اخلاقی نامزد وزارت مهاجرین و عودت‌کننده‌گان، محمود کرزی نامزد وزارت شهرسازی و اراضی و نجیب‌الله یمین نامزد وزارت فواید عامه برنامه‌های‌شان را به مجلس ارائه کردند.

مجلس نماینده‌گان در چهارم قوس روند رای اعتماد به اعضای کابینه را متوقف کرد. این تصمیم در پی اظهارات امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری در نشست ژنو در مورد دخیل بودن شماری از اعضای مجلس نماینده‌گان در فساد گرفته شد.

مجلس نماینده‌گان قبلاً هشدار داده بود تا زمانی که صالح اسناد ارائه نکنند، روند رای‌دهی به اعضای کابینه را متوقف می‌کند.

این مجلس هم‌چنان طرح وادارکردن امرالله صالح را به استعفا از سوی رئیس جمهور غنی پیش‌کش کرده بود.

مجلس نماینده‌گان روز شنبه تصمیم گرفت که روند رای اعتماد به اعضای کابینه از سر گرفته شود.

میررحمان رحمانی، رئیس مجلس نماینده‌گان و



## از ۳۷۹ ذخیره‌گاه پیاز و کچالو در ننگرهار به هزینه ۱۳۹ میلیون افغانی بهره‌برداری شد



صباح، کابل: وزارت زراعت، آبیاری و مالداری از ۳۷۹ ذخیره‌گاه پیاز و کچالو در ولایت ننگرهار بهره‌برداری کرد. این ذخیره‌گاه‌ها در قالب طرح مدیریت محصولات زراعتی با هزینه ۱۳۹ میلیون افغانی ساخته شده بود.

حسنت‌الله غفوری، معین آبیاری و منابع طبیعی وزارت زراعت که در سفرش به ولایت ننگرهار، این ذخیره‌خانه‌ها را به بهره‌برداری سپرد، می‌گوید که در کل کشور حدود ۱۲ هزار پروژه در قالب طرح مدیریت محصولات زراعتی در حال تطبیق است و ننگرهار، اولین ولایتی است که این طرح را به صورت کامل تکمیل کرده است.

او گفت که برای ساخت ۳۷۹ ذخیره‌گاه پیاز و کچالو در ولایت ننگرهار، ۱۳۹ میلیون افغانی هزینه شده است.

ضیاءالحق امرخیل، والی ننگرهار، می‌گوید که این ذخیره‌خانه‌ها برای دهقانان در ۱۴ ولسوالی ولایت ننگرهار ساخته شده است.

به گفته او، سال قبل، حاصلات پیاز به کشور همسایه می‌رفت و دوباره در وقتی که کمبود در بازار افغانستان حس می‌شد، به افغانستان وارد می‌گردید.

والی ننگرهار گفت که امسال این مشکل برطرف شده و دهقانان محصولاتشان را تا زمان نیاز بیش‌تر بازار، نگهداری می‌کنند.

به قول امرخیل، ذخیره‌گاه‌های پیاز، در جاهایی ساخته شده است که تولید پیاز بیش‌تر و نیاز به نگهداری آن بلند بوده است.

طرح مدیریت محصولات زراعتی شامل ساخت هزاران ذخیره‌خانه‌های پیاز و کچالو، کشمش‌خانه‌ها، سردخانه‌های صفرانرژی مدل سارک برای نگهداری سیب و انار و توزیع ماشین‌های خشک‌کننده‌ی میوه است که در سال ۱۳۹۹ آغاز شد و مرحله‌ی اول آن به زودی تکمیل می‌شود.



# غضنفر گروپ بیش از هفت میلیارد افغانی به دولت بدهکار است

سال سیزدهم  
شماره ۳۴۸۸  
دوشنبه  
۱۰ قوس ۱۳۹۹  
۳۰ نومبر ۲۰۲۰  
قیمت: ۲۰ افغانی



شرکت غضنفر گروپ بیش از هفت میلیارد افغانی به وزارت مالیه بدهکار است. براساس اسنادی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است، این شرکت ۱۲ سال پیش حدود ۶۵ میلیون دالر (معادل پنج میلیارد افغانی) از کمک‌های جاپان را با «فریب» زیر نام سه شرکت مختلف از وزارت مالیه دریافت کرده، اما در این مدت آن را دوباره پرداخت نکرده است. افزون بر پول اصلی، ۱۸ درصد جریمه و تکتانه این پول نیز پرداخت نشده است. بدین ترتیب مجموع بدهکاری کنونی غضنفر گروپ به بیش از ۱۰۰ میلیون دالر (معادل هفت میلیارد افغانی) می‌رسد. این بدهکاری در مکتوب‌های ارسالی مجلس نماینده‌گان به وزارت دولت وجود «فریب» در قرارداد و نپرداختن بدهکاری، برای بار دیگر قرارداد دولتی به دست آورده است.

کار سبب نمی‌شود که وزارت مالیه این پول را از غضنفر گروپ نخواهد. به گفته‌ی وی، اگر آقای غضنفر وفات کرده است، نهاد غضنفر خود شخصیت حقوقی است و باید این بدهکاری را پرداخت کند. آقای ناصری افزود که مرگ محمدیوسف غضنفر نباید مانع پرداخت بدهکاری شرکت وی شود. هم‌چنان گل‌احمد نوزاد، نماینده مردم نیمروز در مجلس نماینده‌گان، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید، ۳۰ میلیون شهروند کشور در پولی که شرکت غضنفر گروپ «به یغما برده و سوءاستفاده شده است»، حق دارند و باید به هر نوعی که می‌شود، این پول به وزارت مالیه پرداخت شود. این عضو مجلس نیز فساد در حکومت را مانع پرداخت شدن این پول خوانده، از حکومت و نهادهای مسوول خواست که پس از پژوهش، پول را به وزارت مالیه برگردانند. سیدعظیم کبیرزائی، عضو کمیسیون مالی و بودجه مجلس نماینده‌گان، نیز تصریح کرد که هیچ کس حق ندارد پول بیت‌المال را نزد خود نگهداری کند و اگر محمدیوسف غضنفر وفات کرده است، شخصیت حقوقی شرکت باقی‌مانده‌ی وی باید این پول را بپردازد.

آگاهان اما معتقد اند که فساد در حکومت نقش اساسی در برگشت نخوردن بدهی‌ها دارد. حسن روحانی، آگاه مسایل اقتصادی، «فساد در حکومت» را دلیل ضعف در برگرداندن این پول به وزارت مالیه خواند و افزود، تا زمانی که نهادهای شفاف در این رابطه ایجاد نشود، جلوی این گونه فسادها گرفته نخواهد شد. وی گفت: «کل بودجه دولت چهار میلیارد دالر است و پرداخت نشدن ۶۵ میلیون دالر بدهی، تاثیر بدی بالای خزانه‌ی دولت می‌کند. اگر این پول پرداخت می‌شد، حکومت را در امر مبارزه با ویروس کرونا و دیگر بخش‌ها کمک می‌کرد». افزون بر این، آگاهان حقوقی می‌گویند که حکومت راه‌های بدیل برای این کار دارد. وحید فرزه‌بی، آگاه حقوقی، گفت که اگر یک فرد به جزای نقدی متهم باشد، حکومت می‌تواند داریایی‌های او را لایلم کرده و بدهکاری‌اش را بگیرد. وی هم‌چنان در مورد این که شرکت غضنفر گروپ قرارداد دیگر دولتی را با وجود بدهکاری به دست آورده است، تصریح کرد که در صورت جعل و تزویر در یک قرارداد، شرکت باید از داوطلبی در قرارداد دیگر محروم شود. به گفته آقای فرزه‌بی، این محرومیت‌ها از سه سال تا پنج سال را در بر می‌گیرد.

پیش‌تر جامعه جهانی در نشست جینوا بر مبارزه «معنادر و قابل اثبات علیه فساد» تاکید کرد و آن را یکی از شروط برای دوام کمک‌ها خواند. حکومت نیز در پاسخ به خواست جامعه جهانی گفت که به این شرط و سایر شروط پابند می‌ماند. ارگ ریاست جمهوری در واکنش به این موضوع گفت که مالیه‌گیرنده‌گان مکلفاند مالیات را از اشخاص بگیرند و حکومت هیچ‌گاه در کار آنان مداخله نکرده است.

این همه در حالی اتفاق می‌افتد که محمدیوسف غضنفر، مالک شرکت غضنفر گروپ، در جریان کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته، به عنوان عضو ارشد تیم دولت‌ساز و یکی از حامیان مالی آن قرار گرفته بود. محمدشرف غنی، رییس جمهوری پس از پیروزی در انتخابات و به محض به جا آوردن مراسم تحلیف، آقای غضنفر را بر اساس بند سیزدهم ماده ۶۴ قانون اساسی به عنوان «نماینده فوق‌العاده رییس جمهوری در امور توسعه اقتصادی، تجاری و کاهش فقر» تعیین کرد. وی اما پس از مدتی در سیزدهم سرطان سال روان به دلیل ابتلا به کرونا، در ترکیه جان باخت.

از سوی هم شمروخان مسجدی، سخنگوی وزارت مالیه، در صحبت با روزنامه ۸صبح تصریح کرد که در این مورد با مسوولان شرکت غضنفر گروپ به توافق رسیده‌اند. او افزود که غضنفر گروپ بدهکاری‌هایش را پذیرفته و روی نوعیت پرداخت پول‌های بدهکاری مصروف کار است. با آن که شرکت غضنفر گروپ از وزارت مالیه بدهکار است و کار آن نیز «فریب» خوانده شده است، اما در سال ۱۳۹۴ بار دیگر قرارداد ۵۶ میلیون دالری تهیه تیل دیزل برای وزارت دفاع را به دست آورده است. در مکتوبی که با شماره‌ی (۹۸۹) مورخ بیست‌وهفتم اسد ۱۳۹۴ از سوی وزارت دفاع ملی عنوانی مقام عالی ریاست جمهوری نوشته شده، آمده است: «وزارت دفاع ملی جمعا مبلغ ۴۴ میلیون و ۳۳۸ هزار و ۶۰۱ دالر امریکایی (اگر طبق شرایط قرارداد محاسبه شود) مبلغ ۵۶ میلیون و ۴۴۳ هزار و ۴۰۰ دالر امریکایی از شرکت متذکره (غضنفر گروپ) مقروض می‌باشد که بایست پرداخت شود».



در ادامه این مکتوب آمده است: «قابل یادآوری است که قراردادیان تیل وزارت دفاع ملی از درک قرارداد فروش تیل مساعدت شده کشور جاپان (CPF) در حدود ۶۶ میلیون دالر امریکایی از حکومت افغانستان مقروض می‌باشند». در این مکتوب وزارت دفاع ملی که به ریاست جمهوری فرستاده شده، پیشنهاد شده است که بدهی وزارت دفاع از شرکت غضنفر گروپ به حساب (CPF) انتقال یابد. با این حال فواد امان، معاون سخنگوی وزارت دفاع ملی، حاضر نشد که در باره قرارداد تهیه تیل دیزل از سوی شرکت غضنفر گروپ برای وزارت دفاع ملی، صحبت کند.

برخی از نماینده‌گان مجلس اما حکومت را به فساد اداری متهم می‌کنند و این بده‌وبستان را نوعی «زدویند سیاسی» می‌دانند. غلامحسین ناصری، نماینده مردم میدان وردک در مجلس نماینده‌گان، می‌گوید که حکومت خود در این فساد شریک است و این کار سبب شده تا شرکت غضنفر گروپ با گذشت ۱۲ سال بدهکاری‌اش را پرداخت نکند. او افزود: «اگر رییس جمهور محترم از غضنفر گروپ قرض‌دار است، باید پرداخت کند، اما این



هرچند مسوولان غضنفر گروپ در باره دلایل پرداخت نکردن بدهکاری‌شان چیزی نمی‌گویند، اما بر بنیاد سندی که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار دارد، غضنفر گروپ دو سال پیش بدهکاری‌اش را پذیرفته و وعده داده است که آن را پرداخت کند. در این سند که در بیست‌وهفتم جوت ۱۳۹۷ از سوی غضنفر گروپ به وزارت مالیه نوشته شده، آمده است: «شرکت می‌خواهد پول‌های به دست آمده را غرض تصفیه حسابات شرکت‌های رنا خسرو، زمیری سمیع و فردوسی بلخ که قرار معلوم بابت CPF کمک‌های جاپان حدودا پنجاه میلیون دالر قرضدار استند، پرداخت کند و جانب شرکت با شرکت‌های مقروض بعدا تصفیه حساب خواهد کرد و هم‌چنان باقی پول را نقداً به دست آورده و صرف بخش‌های انرژی در داخل کشور کند». با این حال زمان پرداخت این پول در این مکتوب مشخص نشده است.



هرچند وزارت دفاع ملی هفت سال پس از این دادوگرفت تلاش کرده است که بدهی این وزارت به شرکت غضنفر گروپ را با بخشی این پول میلیاردری اعضا مجلس نماینده‌گان این کار را نوعی «زدویند سیاسی» تلقی می‌کنند. آنان معتقد اند که در صورت بدهکاری احتمالی رییس جمهور غنی از غضنفر گروپ، باید پول آن پرداخت شود و این کار نباید جلو پرداخت بدهکاری به دولت را بگیرد. پیش‌تر گمانه‌زنی‌هایی مطرح شده بود که گویا رییس جمهور غنی در جریان کارزارهای انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۹۸ از غضنفر گروپ پول دریافت کرده است. گفتنی است که محمدیوسف غضنفر، مالک شرکت غضنفر گروپ، در کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری در کنار محمدشرف غنی قرار گرفت و سپس موفق نماینده فوق‌العاده رییس جمهور در امور توسعه اقتصادی، تجاری و کاهش فقر را نیز به دست آورد.

در جریان سال ۲۰۰۷، جاپان ۶۵ میلیون دالر را برای خرید نفت به افغانستان کمک کرد. این پول در واقع برای ثابت نگه داشتن نرخ نفت در بازار کمک شده بود. بر اساس اسناد موجود، این کمک مشروط به این خوانده شده بود که قرارداد آن برای جلوگیری از فساد مالی احتمالی، به سکتور خصوصی داده شود. شرکت غضنفر گروپ که در راس آن محمدیوسف غضنفر قرار داشت، این قرارداد ۶۵ میلیون دالری را با «فریب» و ساختن سه شرکت به نام‌های «رنا خسرو»، «زمیری سمیع» و «فردوسی بلخ»، از وزارت مالیه به دست آورده است. بر اساس قرارداد، غضنفر گروپ باید این پول را برای ثابت نگه داشتن نرخ نفت به گردش در می‌آورد و سپس آن را تا سال ۲۰۰۸ به وزارت مالیه تحویل می‌داد. این شرکت اما با گذشت نزدیک به دوازده سال، هنوز ۶۵ میلیون دالر امریکایی از پول قرارداد شده را به این وزارت برنگشانداده است.

تفاهم بر این بوده است که اگر پول در زمان معین پرداخت نشود، شرکت مکلف است که علاوه بر اصل پول، ۱۸ درصد دیگر را نیز به عنوان جریمه و تکتانه بپردازد. از آن جایی که این پول در جریان ۱۲ سال پرداخت نشده است، بدهی شرکت غضنفر گروپ اکنون به بیش از ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی (معادل هفت میلیارد افغانی) می‌رسد. مکتوبی که با شماره‌ی (۳۲۲ بر ۳۲۸) در هفدهم سنبله ۱۳۹۹ از سوی حجت‌الله خردمند، نایب منشی مجلس نماینده‌گان، عنوانی وزارت دولت در امور پارلمانی نوشته شده است، بدهکاری این شرکت را تایید می‌کند. در این مکتوب آمده است: «جاپان تقریباً مبلغ بیش از ۶۵ میلیون دالر امریکایی را جهت خریداری نفت به دولت افغانستان کمک کرده بود که باید یک مرتبه تیل خریداری شود تا مجدداً پول به وزارت مالیه تسلیم داده شود. این پول تاثیرات هنگفتی بالای بودجه افغانستان دارد، اما قرار اطلاعات حاصله، پول با فساد اداری به شرکت غضنفر گروپ داده شده است».

در این مکتوب آمده است: «اکنون که تقریباً ۱۲ سال می‌شود، این مبلغ در اختیار شرکت غضنفر گروپ قرار دارد که افراد غضنفر گروپ به نام آن شرکت پول اخذ کرده و از کشور فرار کرده‌اند. شرکت غضنفر گروپ تا هنوز این پول را به وزارت مالیه پرداخت نکرده و دلیل عدم اخذ پول از شرکت غضنفر گروپ چه بوده است، با توجه به این که دولت با کمبود بودجه روبه‌رو است».









+ (93) 700 175 510 / + (93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

# بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

## مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه: ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه  
فروشگاه: ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه  
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲  
۰۷۸۰۷۴۷۴۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۴۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

## شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه  
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت  
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰

BARTARTECH  
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT  
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909 info@bartartech.com

+93787935900 www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

## نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی  
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی  
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف  
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال  
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

معتبر و باکیفیت

هاردسک اکسترنال

انتی ویروس (خانگی + تحت سرور)

بامیکا

Follow us on

@BamikaSoft & @BamikaHard

ما را دنبال کنید



۳ سال ورتتی تبدیلی

ADATA

Silicon Power

ESET

Kaspersky



www.bamikatech.com

0789945066 - 0799735660

آدرس: چهارراهی پل سرخ، مارکت ملی، منزل اول، نمبر ۱۹



♦ رامش نوری، استاد دانشگاه

جمهوریت‌خواهی که منتسکبو در روح‌القوانین بحث می‌کند، با آن‌چه که ما در سه دوره‌ی جمهوریت در افغانستان داشته‌ایم، کاملا متفاوت است. در زمان داوود خان که وی خود را بانی جمهوریت می‌دانست، جمهوریت ما استبدادمنش و دیکتاتوری بود. پس از آن، در زمان حزب دموکراتیک خلق، جمهوریت ما ایدئولوژیک و در زمان پسا طالبان، جمهوریت ما صوری بوده است. منظور از جمهوریت صوری به معنای صورتی از جمهوریت است و بس. یعنی ما صورت‌هایی از جمهوریت را در شرایط پسا طالبان در افغانستان عملی ساخته‌ایم و با چارچوب‌بندی قانون اساسی، جمهوریت ما استبداد و خودکامه‌گی بیش نبوده است. منتسکبو از وجود نظریه‌ی تفکیک قوا و موازنه‌ی قوا در جمهوریت خود حرف می‌زند؛ چیزی که آزادی را در جمهوریت تضمین می‌کند و از استبدادی‌شدن جمهوریت جلوگیری می‌نماید. در حالی که در افغانستان تا حالا چیزی به گونه‌ی واقعی به معنای تفکیک و موازنه‌ی قوا در جمهوریت‌های سه‌گانه وجود نداشته است. لذا جمهوریت در یک تعریف عام، نظام قانون‌مند و همه‌شمولی است که در یک سرزمین به گونه‌ی عادلانه در تأمین نیازهای مردم بپردازد و نیازهای اقتصادی و امنیتی را با عنایت مردم‌سالاری برآورده کند. بنابراین، پرسش این است که آیا جمهوریت ما چنین است؟

### جمهوریت و نظریه‌ی تفکیک و موازنه‌ی قوا

بر اساس نظریه‌ی تفکیک و موازنه‌ی قوا، حکومت به سه شاخه‌ی مختلف تقسیم می‌شود که هر یک از این

# جمهوریت ما چگونه است؟

بر اساس نظریه‌ی تفکیک و موازنه‌ی قوا، حکومت به سه شاخه‌ی مختلف تقسیم می‌شود که هر یک از این شاخه‌ها دارای محدوده‌ی مستقلی از قدرت است و هیچ‌یک حق مداخله در امور دیگری را ندارد. بر بنیاد نظریه‌ی تفکیک و موازنه‌ی قوا، جمهوریت دارای سه قوه‌ی اصلی (قوه‌ی مقننه، قضاییه و مجریه) است. هر یک از این قوه‌ها، دارای صلاحیت‌ها و اختیارات مستقل و متفاوتی است. یکی به دنبال وضع قانون است، دیگری امور مربوط به دادگستری را پیش می‌برد و سومی هم به امور اجرایی می‌پردازد.

شاخه‌ها دارای محدوده‌ی مستقلی از قدرت است و هیچ‌یک حق مداخله در امور دیگری را ندارد. بر بنیاد نظریه‌ی تفکیک و موازنه‌ی قوا، جمهوریت دارای سه قوه‌ی اصلی (قوه‌ی مقننه، قضاییه و مجریه) است. هر یک از این قوه‌ها، دارای صلاحیت‌ها و اختیارات مستقل و متفاوتی است. یکی به دنبال وضع قانون است، دیگری امور مربوط به دادگستری را پیش می‌برد و سومی هم به امور اجرایی می‌پردازد.

### آیا جمهوریت ما چنین است؟

بر اساس قانون اساسی افغانستان، رییس جمهوری، عالی‌ترین مقام دولت و ممثل حاکمیت ملی و اقتدار ملی است. قانون اساسی برای رییس جمهوری در عرصه‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی صلاحیت اعمال نفوذ داده است. ماده‌ی ۶۴ قانون اساسی، ۲۱ مورد از صلاحیت‌های رییس جمهوری را در امور اجرایی‌ای، تقنینی و قضایی بر شمرده است که از آن جمله می‌توان از مواردی چون «اجرای قانون اساسی، حفظ استقلال، تمامیت ارضی و منافع ملی، برقراری امن و نظم در جامعه، تنظیم بودجه و طرح اجرای

برنامه‌های توسعه‌ای، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیک» یاد کرد. بر علاوه صلاحیت‌های اجرایی‌ای، رییس جمهوری از آن‌جا که رییس دولت است، رییس قوه‌ی مقننه نیز است و بر بنیاد بند ۱۶ ماده‌ی ۶۴ و ماده‌ی ۷۹ قانون اساسی کشور، رییس جمهوری حق صدور فرمان تقنینی را دارد که مداخله‌ی آشکار در امور قوه‌ی مقننه است.

به همین ترتیب، عزل و نصب قاضیان به دست رییس جمهوری صورت می‌گیرد و بر اساس فقره‌ی ۱۸ ماده‌ی شصت‌وچهارم قانون اساسی «عفو، بخشش و تخفیف مجازات مجرمین» هم‌چنان جزء صلاحیت‌های رییس جمهوری است. بر اساس قانون اساسی فعلی افغانستان، رییس جمهوری کم از امیر امارت اسلامی نیست و سلطان تمام‌عیار است. با این حال، نقش رییس جمهوری در درون ساختار با هیچ نیروی چالش‌گری مواجه نیست و در بیرون ساختار نظام سیاسی، حزب قدرت‌مند و اپوزیسیون توانا وجود ندارد که کجی‌های جمهوریت را راست کند. بنابراین قانون اساسی باید اصلاح شود و شاخص‌های اساسی جمهوریت در آن در نظر گرفته شود.

# وضعیت توسعه‌ی سیاسی در افغانستان

♦ سنجر سادات

توسعه یک مفهوم ارزشی است؛ زیرا دربرگیرنده‌ی کلیه‌ی کنش‌هایی است که به منظور سوق‌دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه‌ی منظم از شرایط زنده‌گی جمعی و فردی، روی دست گرفته می‌شود. توسعه، مفهوم گسترده دارد و به شاخه‌های متعدد تقسیم می‌شود. توسعه شامل توسعه‌ی سیاسی، توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی است که مجموع شاخص‌های یک جامعه‌ی توسعه‌یافته را تشکیل می‌دهد. با توجه به گسترده‌گی این مفهوم تنها به وضعیت توسعه‌ی سیاسی در افغانستان می‌پردازیم.

توسعه‌ی سیاسی برای نخستین بار به معنای وسیع آن به صورت عمیق از جانب لوسین پای مورد بررسی قرار گرفت و وی با توجه به تجربه‌ی جوامع اروپای غربی، در مورد توسعه‌ی سیاسی تعریف خاصی ارائه داد. او توسعه‌ی سیاسی را تکامل یافتن نظام دولت ملی می‌داند و می‌گوید که مهم‌ترین نوع توسعه در جوامع انسانی، همین توسعه‌ی سیاسی است. به باور پای، توسعه‌ی سیاسی ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و این نوع توسعه ضرورت جهانی است. او توسعه‌ی سیاسی را به عنوان یک فرهنگ جهانی تلقی می‌کند و آن‌را پیش‌شرط هر نوع توسعه در جوامع انسانی می‌داند. او می‌گوید که جوامع انسانی قبل از رسیدن به توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اداری و دموکراسی، نیاز به توسعه‌ی سیاسی دارند. (آقا بخشی، ۱۳۷۹، ص ۴۴۰).

در یک تعریف جامع، توسعه‌ی سیاسی افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی‌بودن، آزادی و تغایرهای اساسی در یک جامعه است. (محمود سریع‌القلم، ۱۳۸۱). توسعه‌ی سیاسی فرآیندی است که طی آن ظرفیت ساختارها و نهادهای سیاسی و هم‌چنین پویایی نیروها و روابط سیاسی یک کشور در جهت سامان‌دهی امور عمومی داخلی و خارجی افزایش می‌یابد. (عبدالعلی قوام، ۱۳۷۹).

بنابراین توسعه به بهبود و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زنده‌گی اجتماعی انسان متمرکز است و در حقیقت فرآیند بهبودبخشیدن کیفیت زنده‌گی افراد جامعه است. توسعه‌ی سیاسی، بلندبردن میزان مشارکت سیاسی افراد جامعه است که منجر به توان‌مندی نظام سیاسی کشورها می‌شود. توسعه‌ی سیاسی به معنای نبود نابرابری، فساد مالی و اداری، ایجاد نظام مبتنی بر عدالت اجتماعی و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی جاری است.

### نخبه‌گان و توسعه‌ی سیاسی

نقش نخبه‌گان، پژوهش‌گران و صاحب‌نظران از جمله‌ی مسایلی است که در افغانستان نادیده گرفته می‌شود. اندیشمندان، نخبه‌گان علمی و دانشگاهی به انجام تحقیقات و مطالعات خویش مشغول‌اند؛ اما در افغانستان داده‌های علمی و کاربردی آن‌ها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و به جای این‌که از این داده‌ها استفاده صورت گیرد،

و مانع بزرگ برای توسعه‌ی پایدار دانسته‌اند. پدیداری فساد سیستماتیک نشان‌دهنده‌ی این واقعیت است که منابع تخصیص‌یافته برای هزینه‌های عمومی به درستی مدیریت نشده و به دست گروهی از مفسدان افتاده است. (سعیده لطفیان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۷-۲۲۰).

فساد مالی از کوچک‌ترین موضوعی که پرداخت غیرقانونی به یک کارمند دولت است، تا بالاترین رده‌های اقتصادی دولت‌ها را در بر می‌گیرد. از پیامدهای فساد سیاسی و اقتصادی می‌توان از افزایش شکاف میان طبقات اجتماعی، افزایش بی‌اعتمادی شهروندان به دولت و نیز به یک‌دیگر یاد کرد. در سایه‌ی این پدیده، این پندار در میان شهروندان گسترش می‌یابد که کارگزاران دولتی منابع ملی را تاراج می‌کنند. این دیدگاه منفی درباره‌ی دولت می‌تواند به بحران سیاسی یا پیامدهای خطرناک امنیتی در سطح ملی و حتا سطح گسترده‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی بیانجامد. بدون برنامه‌ریزی درست برای رویارویی جدی و پایدار نمی‌توان امید به برنامه‌های توسعه‌ی سیاسی داشت.

فساد اداری، کارایی و موثریت دولت را امروزه زیر سوال برده است. نهادهای عدلی و قضایی، نهادهای انتخاباتی، شاروالی‌ها، گمرک‌ها و دیگر ادارات از جمله‌ی نهادهای درگیر با فساد است و همواره از این پدیده متأثر شده است. فساد اداری خسارت‌ها و زیان‌های فراوان مادی و معنوی بر جامعه‌ی افغانستان وارد کرده است که بر هیچ‌کس پوشیده نیست. فساد اداری به یک معضل پیچیده‌ی اجتماعی فراگیر در جامعه تبدیل شده است، تا حدی که مبارزه با آن برای دولت و ملت مشکل است. در سال ۲۰۱۲ دولت افغانستان در کنفرانس کشورهای کمک‌کننده به افغانستان در توکیو، در سند پایانی عهد بست که به یک سلسله وظایف عمل کند. این وظایف شامل برگزاری انتخابات آزاد، بهبود بخشیدن به مدیریت دولتی، نظارت بهتر بر امور مالی و مبارزه با فساد اداری و مالی می‌شد. هم‌چنین در سال ۲۰۱۴ در کنفرانس لندن به هدف کمک‌های تازه به افغانستان، دولت در زمینه‌های مبارزه با فساد، تأمین امنیت و تأمین حقوق زنان و دختران تعهد کرده است.

### نبود قدرت و ضعف رهبری

از دید پارسونز، قدرت عبارت است از قابلیت تعمیم‌یافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور واحدها در نظام سازمان جمعی. (لوکس استیون، ۱۳۷۰). وی به دو عامل مهم اشاره می‌کند. نخست مشروعیت تعهدات مذکور است از جهت تأثیر مثبتی که در تأمین اهداف اجتماعی هماهنگ با باورها و اعتقادات مردم دارد که این خود تا حد وسیعی منشا پذیرش آن‌ها از سوی مردم خواهد بود و مصداق روشنی است برای قابلیت اجرای تعهد که در تعریف آمده است. دوم، عامل وجود ضمانت اجرایی دولتی است که در قالب پاداش و کیفر و به طور کلی احکام جزایی تجلی پیدا می‌کند و در موارد ترمد و عصیان که عامل نخست به تنهایی تأثیری در اطاعت افراد ندارد، این عامل پشتوانه‌ی دیگری برای اجرای



آن‌ها همه در کتاب‌خانه‌ها و مراکز پژوهشی محصور می‌شود و نخبه‌گان حاکم به جای داده‌های علمی، از داده‌های ذهنی خویش کار می‌گیرند که خود فرآیند مشارکتی توسعه را با تأخیر مواجه می‌سازد. در حالی که اندیشمندان و نخبه‌گان علمی، ثروت ملت‌ها را تشکیل می‌دهند. دولتی که نتواند مهارت و دانش مردمانش را به شکل مشارکتی به کار گیرد و از آن بهره‌برداری کند، توانایی توسعه‌ی سیاسی در آن بعید به نظر می‌رسد. انسان‌ها، هم هدف و هم وسیله‌ی توسعه‌اند و به جای آن‌که در حاشیه‌ی توسعه در بُعد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشند، باید مصدر فعل و انفعال قرار گیرند. در جوامعی در حال گذار از سنت به مدرنیسم، مشروعیت از منشا واحد سرچشمه نمی‌گیرد، لذا سیاست و حکومت در افغانستان بر ترکیبی از مشروعیت سنتی و بروکراتیک استوار بوده است. برخی به واسطه‌ی اراده و سرسپردگی و برخی نیز بر مبنای لیاقت جایگاه یافته‌اند و عموم نخبه‌گان و اندیشمندان در عرصه‌های مختلف از این حلقه خارج هستند. با این وضعیت نباید انتظار توسعه‌ی سیاسی را داشت. (لئونارد بایندر، ۱۳۸۰).

از سوی دیگر، توسعه‌ی سیاسی به نخبه‌گان و مجریانی نیاز دارد که علاوه بر توانایی علمی و فکری و بهره‌مندی از تجارب و تخصص‌های لازم، از نظر شخصیت و اخلاق نیز با دیگران متفاوت باشند. شخصیت، اخلاق و فرهنگ حاکم بر نخبه‌گان به مراتب مهم‌تر از افکار، تجارب و تخصص آن‌ها است. در فرآیند دستیابی به توسعه‌ی سیاسی، علم، فکر، تجربه و تخصص نخبه‌گان سیاسی گرچه شرط‌های لازم محسوب می‌شود؛ اما کافی نیست. لازمه‌ی دستیابی به توسعه‌ی سیاسی، تحول در شخصیت نخبه‌گان سیاسی است.

### فساد مالی و اداری

نبود فساد مالی و اداری در توسعه‌ی سیاسی نقش بارز دارد. سازمان‌های جهانی پدیده‌ی فساد مالی و سیاسی را یکی از مهم‌ترین آسیب‌های مدیریت دولتی

### توسعه‌ی سیاسی به نخبه‌گان و مجریانی

نیاز دارد که علاوه بر توانایی علمی

و فکری و بهره‌مندی از تجارب و

تخصص‌های لازم، از نظر شخصیت و

اخلاق نیز با دیگران متفاوت باشند.

شخصیت، اخلاق و فرهنگ حاکم بر

نخبه‌گان به مراتب مهم‌تر از افکار،

تجارب و تخصص آن‌ها است. در فرآیند

دستیابی به توسعه‌ی سیاسی، علم،

فکر، تجربه و تخصص نخبه‌گان سیاسی

گرچه شرط‌های لازم محسوب می‌شود؛

اما کافی نیست. لازمه‌ی دستیابی به

توسعه‌ی سیاسی، تحول در شخصیت

نخبه‌گان سیاسی است.

تعهدات نامبرده و پذیرش قهری آن از سوی این قشر خواهد بود. بر اساس عامل نامبرده، دو سطح از قدرت ظهور می‌کند. سطح نخست به اعتقاد و باور مردم به مشروعیت قانون و مدیران و مجریان آن مربوط می‌شود، چرا که مردم بر اساس باور شان خود به خود از قوانین اطاعت می‌کنند و تعهدات را به کار می‌بندند. سطح دوم به مواردی مربوط می‌شود که افراد یا از لحاظ این‌که مشروعیت قوانین را باور ندارند و یا به هر علت دیگر، دست به ترمد و عصیان می‌زنند که قوانین جزایی به عنوان پشتوانه‌ی اجرای قوانین مدنی و حقوقی و به عنوان یک ضمانت اجرایی دولتی، افراد متخلف را به اطاعت از آن وا می‌دارد. چنین استنتاج می‌شود که در افغانستان باور به مشروعیت نظام در سطح پایین قرار دارد و اعمال قدرت را به مشکل روبه‌رو ساخته است. هم‌چنان قوانین نافذ در کشور به صورت جدی تطبیق نمی‌شود تا اعتماد مردم نسبت به دولت شکل بگیرد و دولت هم بتواند اعمال قدرت کند. به عنوان نمونه می‌توان از دو دور انتخابات ریاست جمهوری نام برد که در سال ۲۰۱۴ منجر به شکل‌گیری حکومت وحدت ملی شد که هم مبنای قانونی آن زیر پرسش رفت و هم نظامی که در آن اراده‌ی مردم تمثیل می‌شد از هم گسست و حکومتی شکل گرفت که از مشروعیت لازم برخوردار نبود. در سال ۲۰۱۹ نیز حکومت توافقی که به سهمیه‌بندی انجامید، شکل گرفت.

در کنار این، وجود رهبران متعددی که خود شان را به قوم محدود ساخته‌اند و با همراه‌ساختن عناصر قوم و عشیره زمینه‌ی تداوم قدرت‌شان را آماده ساخته، نیز زمینه‌ی توسعه‌ی سیاسی را محدود کرده‌اند.

افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، شناخت نیازهای هر جامعه و انتخاب روش‌های متناسب با واقعیت‌های اجتماعی و هماهنگ با ارزش‌های بومی، زمینه را برای توسعه، به‌ویژه توسعه‌ی سیاسی فراهم می‌سازد. توسعه‌ی سیاسی در حقیقت زمینه‌ساز توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و حتا فرهنگی است. برای رسیدن به توسعه‌ی سیاسی باید نقش اندیشمندان بیش‌تر شود، برنامه‌های عملی در راستای از بین‌بردن فساد از بدنه‌ی دولت روی دست گرفته شود و در امر مبارزه با آن، روحیه‌ی جمعی تقویت گردد.





عبدالاحمد حسینی

شهریان غزنی و زابل روز یکشنبه، نهم قوس را خونین آغاز کردند. حوالی ساعت ۸:۰۰ صبح یک مهاجم انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری‌اش را در نزدیکی یک پایگاه نیروهای ارتش در غزنی منفجر کرد. براساس آمارهای ریاست صحت عامه این ولایت، دست کم ۳۱ سرباز ارتش در این انفجار کشته و ۳۰ سرباز دیگر زخمی شده‌اند. شورای ولایتی غزنی نیز این آمار را تایید می‌کند و می‌گوید که ممکن است شمار تلفات این حادثه بیش‌تر از این شود. به گفته اعضای شورای ولایتی غزنی، شماری از سربازان هنوز زیر آوار گیر مانده‌اند. وزارت دفاع ملی و مقام ولایت غزنی اما شمار کشته‌گان را ده تن و ارقام زخمیان را هفت تن می‌دانند. با این همه، شورای ولایتی غزنی کارکرد نهادهای امنیتی به ویژه نهادهای کشفی را زیر پرسش می‌برد و می‌گوید که به دلیل کم‌کاری این نهادها، زمینه برای این حمله فراهم شده است. اعضای شورای ولایتی غزنی از نهادهای امنیتی می‌خواهند که در امر تأمین امنیت و جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی در این ولایت، کارهای موثر انجام دهند.

هم‌زمان با این، در یک رویداد مشابه در ولایت زابل در همسایه‌گی غزنی، چهار تن کشته و ۲۶ تن دیگر زخمی شدند. اعضای شورای ولایتی این ولایت وضعیت امنیتی زابل را قابل قبول نمی‌دانند و می‌گویند که از مجموع ده ولسوالی این ولایت، هفت ولسوالی زیر حاکمیت طالبان قرار دارند. غزنی یکی از ولایت‌های شمال‌شرقی است که همواره محور توجه گروه‌های مخالف مسلح بوده است. این ولایت روز یکشنبه نیز شاهد حمله انفجاری خونین بود. حوالی ساعت ۸:۰۰ بامداد روز یکشنبه، نهم قوس، یک مهاجم انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری‌اش را در نزدیکی کندک نیروهای ارتش در قلعه «جوز» از مربوطات ولسوالی دهیک این ولایت منفجر کرد. براساس آمارهایی که از سوی ریاست صحت عامه این ولایت به رسانه‌ها داده شده است، ۳۱ سرباز ارتش در این انفجار کشته و ۳۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. ظاهرشاه نیک‌مل، رییس صحت عامه ولایت غزنی، به روزنامه ۸صبح با تایید این آمار گفت که وضعیت شش تن از زخمیان این رویداد وخیم است و ممکن شمار تلفات این انفجار افزایش یابد. با این حال وزارت دفاع ملی با نشر اعلامیه‌ای گفته است که در این رویداد ۱۰ سرباز ارتش کشته و هفت سرباز دیگر زخمی شده‌اند. وزارت دفاع ملی با «تروریستی» خواندن این رویداد گفته است که انتحارکننده قصد داشت خودش را به داخل پایگاه این نیروها برساند، اما پیش از رسیدن به هدف، از سوی نیروهای امنیتی شناسایی شده است. این وزارت گفت

# روز خونین غزنی و زابل؛ انفجارها ۳۵ تن را به کام مرگ فرستاد



است: «انتحارکننده قصد داشت خودش را به داخل پایگاه برساند که در اثر تیراندازی نیروهای امنیتی در نزدیکی پایگاه منفجر شد.» با این حال اعضای شورای ولایتی غزنی تایید می‌کنند که مهاجم انتحاری موتر مملو از مواد انفجاری‌اش را در نزدیکی یک کندک اردو در منطقه «جوز» ولسوالی دهیک منفجر کرده است. محمدنعیم توحیدی، عضو شورای ولایتی غزنی، به روزنامه ۸صبح کشته شدن ۳۱ سرباز و زخمی شدن ۳۰ سرباز دیگر در این انفجار را تأیید کرد. او گفت که ممکن است شمار تلفات افزایش یابد، زیرا هنوز شماری از سربازان در زیر آوار گیر مانده‌اند. طبق معلومات او، در این کندک نیروهای اردو و کماندوها حضور داشته‌اند. گفتنی است که قلعه جوز در ۱۲ کیلومتری جنوب‌شرق شهر غزنی و در مسیر ولسوالی دهیک موقعیت دارد. ولسوالی دهیک، یکی از ولسوالی‌های ناامن غزنی است که گروه طالبان در آن تحرک گسترده دارند.

از جانب دیگر آقای توحیدی هرچند وضعیت امنیتی در داخل شهر غزنی را در این مقطع زمانی خوب توصیف می‌کند، اما می‌افزاید که در سطح ولسوالی‌ها امنیت آن‌چنانی برقرار نیست. وی بیان کرد که به استثنای ولسوالی‌های جاغوری، مالستان، ناهور، خواجه‌عمری و جغتو، سایر ولسوالی‌های این ولایت ناامن است و گروه طالبان تسلط گسترده بر بخش‌هایی از آن‌ها دارد. ولایت غزنی ۱۸ ولسوالی دارد که به این ترتیب ولسوالی‌های اندر، مقر، ناوه، گیلان، اجرستان، واغظ، گیرو، آب‌بند، زنه‌خان، دهیک، ولی محمد شهید و رشیدان ناامن است و به گفته‌ی این عضو شورای ولایتی، مراکز این ولسوالی‌ها در اختیار حکومت می‌باشد؛ اما سایر بخش‌های آن به دست گروه طالبان قرار دارد. با این همه محمدنعیم

نشان‌دهنده‌ی بی‌اعتنایی تروریستان به مصالحه و آشتی ملی است. در همین حال واحداالله جمعه‌زاده، سخنگوی والی غزنی، آمار متفاوت از حادثه انفجار موتر بمب می‌دهد. او همانند وزارت دفاع ملی می‌گوید که در این حادثه ده سرباز ارتش کشته و هفت تن دیگر زخمی شده‌اند. از سوی دیگر او وضعیت امنیتی ولایت غزنی را «قناعت‌بخش» دانست و گفت که گروه طالبان پیش از این تحرکاتی در اطراف شهر غزنی داشت، اما پس از سرکوب توسط نیروهای امنیتی، اکنون وضعیت بهتر شده است. آقای جمعه‌زاده تصریح کرد که گروه طالبان با دادن تلفات زیاد، تحرکات‌شان در این ولایت را کاهش داده‌اند.

## انفجار در زابل؛ چهار کشته و ۲۶ زخمی

هم‌زمان با این، شهریان ولایت زابل در همسایه‌گی غزنی نیز صبح‌شان را با انفجار آغاز کردند. در یک رویداد، چهار تن کشته و ۲۳ تن دیگر زخمی شدند. گفته می‌شود که هدف این انفجار رییس شورای ولایتی زابل بوده است. به گفته مقام‌های محلی، زمانی که عطاجان حق‌بیان، رییس شورای ولایتی این ولایت از خانه به طرف محل کارش در حرکت بوده، هدف انفجار یک موتر بمب قرار گرفته است. گل‌اسلام سیال، سخنگوی والی زابل، می‌گوید که حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پیش از ظهر روز یکشنبه موتر حامل آقای حق‌بیان، رییس شورای ولایتی این ولایت، هدف انفجار موتر بمب قرار گرفت که در نتیجه چهار تن به شمول دو کودک کشته و ۲۳ تن دیگر به شمول آقای حق‌بیان و دو محافظش زخمی شدند. او گفت که در میان زخمیان این رویداد کودکان و زنان نیز شامل‌اند. با این‌همه وی تصریح کرد که در نتیجه‌ی انفجار این موتر بمب، خسارات مالی هنگفتی به مردم محل وارد شده است.

اسدالله کاکر، عضو شورای ولایتی ولایت زابل، وضعیت امنیتی این ولایت را قناعت‌بخش ندانست. او گفت که این ولایت گاهی شاهد چنین حملات است. به گفته‌ی او هم اکنون به استثنای ولسوالی‌های شاه‌جوی، شینکی و شهر صفا که در مسیر شاه‌راه درجه یک قرار گرفته‌اند، سایر ولسوالی‌ها زیر حاکمیت گروه طالبان قرار دارد.

گفتنی است که ولایت‌های غزنی و زابل از جمله ولایت‌های نسبتاً ناامن کشور اند که گروه‌های مخالف مسلح دولت تحرکات گسترده در آن دارند. این ولایت‌ها هرازگاهی شاهد حملات خونین بوده که در آن نظامیان و غیرنظامیان تلفات سنگینی را متقبل شده‌اند.

توحیدی وقوع این انفجار را ناشی از کم‌کاری نهادهای امنیتی و کشفی می‌داند. به گفته‌ی او به دلیل ضعف نیروهای امنیتی به ویژه نهادهای کشفی، چنین حملاتی در ولایت غزنی به کرات رخ داده است. نصیراحمد فقیری، رییس شورای ولایتی غزنی، نیز بیان کرد که گروه طالبان با انفجار یک موتر بمب، سبب کشته شدن ۳۱ سرباز ارتش و زخمی شدن ۳۰ سرباز دیگر شده است. او افزود که این گروه چندین بار چنین حملات را بر محلات نظامی در این ولایت انجام داده که در مواردی با تلفات نیز همراه بوده است. این در حالی است که در سیزدهم اسد سال جاری یک کندک محافظت عامه هدف انفجار موتر بمب قرار گرفت. در آن انفجار هفت نیروی امنیتی کشته و ۱۶ تن دیگر زخمی شدند. ولایت غزنی یکی از ولایت‌های استراتژیک است که ولایت‌های شرقی و جنوبی را با ولایت‌های غربی کشور وصل می‌کند. این ولایت همواره محور توجه گروه‌های مخالف مسلح دولت بوده است، طوری که طالبان در سال ۱۳۹۷ هجری شمسی بالای این شهر از چهار جهت حمله کردند و تا سقوط این ولایت به پیش رفتند. سرانجام نیروهای امنیتی به کمک حملات هوایی نیروهای خارجی توانستند این گروه را شکست دهند و با وارد کردن تلفات سنگین، مجبور به عقب‌نشینی کنند. گفتنی است که این حمله حدود پنج روز دوام کرد و هزاران تن از گروه طالبان و نیروهای امنیتی کشته و زخمی شدند.

با این حال محمدعارف رحمانی، نماینده مردم غزنی در مجلس نماینده‌گان، در واکنش به این انفجار گفته است که «تروریستان» با انفجار انتحاری بر نیروهای اردوی ملی، فاجعه بزرگی را آفریده‌اند. وی در ادامه تصریح کرده است که این حملات «نظام‌مند» و «بی‌رحمانه»

# «امید داشتم برادرم زخمی شده باشد، اما مرده بود»

کریمه مرادی

«برادرم در میان زخمی‌ها نبود. به سوی شهدا با دل‌ره رفتیم. پرسیدم عبدالمجید کجا است؟ از روی کارت آماده‌گی کانکور صدا زدند که این عبدالمجید است. دلم طاقت نیاورد. گفتم شاید کارت‌ها را اشتباه به روی جسدها گذاشته‌اند. شاید کارت ردوبدل شده باشد. گفتم تا چهره‌اش را نبینم، باور نمی‌کنم که عبدالمجید باشد. روی اجساد را پوشانیده بودند. کارت‌های هویت‌شان را روی جسدهای‌شان گذاشته بودند. به سوی جسد رفتیم که کارت عبدالمجید را خواندند. با چشمان پر از اشک ملاقه را برداشتم، دیدم که صورتش خاک‌آلود است. هیچ نشناختم، حتا تصور نمی‌کردم که جسد بی‌جان برادرم را این‌طور ببینم. با دیدن جسد بی‌جان برادرم، دیگر ندانستم در کجا هستم و چرا هستم.»

جاده‌ها و پیاده‌روها مثل همیشه مزدحم بود. روزها هم بسیار کوتاه بود و دقیقه به مثل ثانیه سپری می‌شد. هوای کابل دلگیر و آفتاب پشت ابرها بود. به جاده‌ها می‌نگرم. مردم به گونه‌ی عادی عبور و مرور می‌کنند. از کوچه‌های پرخوم‌پیچ به مقصد خانه‌ی دولت‌حسین می‌روم. دروازه را باز کرده مرا به اتاقی رهنمایی می‌کنند که دو برادر روزها و شب‌ها را در آن سپری می‌کردند. دولت‌حسین می‌گوید: «کنج‌کنج این اتاق خاطرات مجید است.»

روایت سوم عقرب که در کورس کوثر دانش اتفاق افتاده را با زگو می‌کند: «صبح روز چهارشنبه بود. همه دور یک دسترخوان چای خوردیم. بعد عبدالمجید به اتاق خود رفت، لباس مکتب به تنش از درب حویلی بیرون رفت. پشت پنجره نگاهش می‌کردم، ای کاش آن روز حداقل یک خداحافظی با او می‌داشتم. بدون خداحافظی از جمع ما رفت و دیگر برنگشت...»

دولت‌حسین با وجود اندوهی که در دل دارد، ادامه می‌دهد: «وقتی از دانشگاه به خانه برمی‌گشتم، صدای انفجار قوی را در نزدیک خانه شنیدم. با خود گفتم که خدایا خیر، باز کجا انفجار شد. به ساعت نگاه کردم، ۴:۳۵ دقیقه بود. به خانه رسیدم و نماز می‌خواندم که دختر کاکایم سراسیمه آمد و گفت در پل خشک انفجار شده است. در خانه کمی دل‌ره برای همه پیدا شده بود. هرچند می‌گفتم پل خشک از کورس کوثر دانش دور است، اما به محض احتیاط بیرون شدم که وضعیت را جویا شوم. قدم‌به‌قدم به سرک نزدیک می‌شدم که از هر سو سروصدا می‌آمد. صدای آمبولانس هم شنیده می‌شد. موترها پشت سر هم ایستاد بودند و جاده کلابسته شده بود. دلم می‌لرزید که نکند در کورس باشد. از کسی نپرسیدم. ترسیدم که بگویم در کورس انفجار شده.»

اندکی تأمل می‌کند و ادامه می‌دهد: «دلم آرام نگرفت، گاهی حرکت می‌کردم و گاهی مات و مبهوت در جاده می‌ماندم. لحظه‌ای به یاد آمد که برادرم بعضی روزها بعد از رخصتی از کورس، به کتابخانه می‌رفت. بدون اندک تاخیر حرکت کردم. نمی‌دانم با چه سرعتی به درب کتابخانه رسیدم. تک‌تک کردم. نگهبان دروازه را باز کرد. پرسیدم که دانش‌آموزها داخل هستند؟ گفت نه، هیچ کس در داخل نمانده، همه بیرون شدند. به شماره‌اش زنگ زدم، گاهی خاموش نشان می‌داد و گاهی خط برقرار می‌شد، اما گویا پشت خط کسی نبود که جواب بدهد.»

با سراسیمه‌گی به هرطرف می‌دود و خود را به شفاخانه‌ی نزدیک حادثه می‌رساند، اما برادرش آن‌جا نیست. نه میان‌جان‌باخته‌گان و نه هم میان زخمی‌ها. دلش گواهی بد می‌دهد. خود را دل‌داری داده می‌گوید که نه، شاید برادرش زنده باشد. بارها تماس می‌گیرد. با بغضی که در گلو دارد، می‌گوید: «باید اعتراف کنم که از برقرار شدن

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل. پدرش زنگ می‌زند و می‌گوید خواهر و مادرش را به شفاخانه محمدعلی جناح بیاورد. گویا پدرش خیر شده که پسرش جان‌باخته، اما چیزی نگفته است. در جاده ایستاده و چشم دوخته به موترها. صدای بوق موترها مثل سوهان... یا نه مثل تیغ... یا نه از آن بدتر مثل یک شمشیر زهرآلود به گوش می‌رسد. صدای دلخراش آمبولانس بدتر از آن است.

«در جایی بودم که نه وسیله‌ای برای رفتن بود و نه دوستی برای دل‌داری دادن. به هر موتری که دست می‌دادم و می‌گفتم که مرا تا قلعه نو ببرید، می‌گفتند که راه بند است. حیران و پریشان ماندم.» راه دور است و دل‌ره زیاد. از رفتن به خانه منصرف می‌شود، اما فقط می‌خواهد به شفاخانه برسد. گلویش را آتش گرفته و خشکی زبان بیش‌تر شده، اما هم‌چنان ادامه می‌دهد: «سر چرخاندم و دیدم که دوستم سوار به بایسکل است. ایستاد کردم و بایسکلش را گرفتم.»

خط تماس حس آرامش و حس زنده بودن برادرم در من پیدا شد، اما تماس‌ها جواب داده نشد...» سرانجام یکی پاسخ می‌دهد، اما نه برادرش. یکی می‌گوید: «برادرت در شفاخانه محمدعلی جناح زخمی است...» برادرش او را ترک کرده بود، با آن‌که امیدوار زنده بودنش بود. می‌گوید: «وجودم از هم پاشید. منتظر زخمی شدن برادرم نبودم، چه برسد به مرگش.»

دلش شور می‌زند، اما ظاهرش را حفظ می‌کند. هوا تاریک است و راه طولیل.



# «برنامه‌های استراتژیک» برای مهار بی‌برقی؛ برشنامی گوید که برق کابل به روال عادی برگشته است

هم‌زمان با شکایت‌ها از نبود برق، شرکت برشنا از «برنامه‌های استراتژیک» خود برای مهار بی‌برقی در کشور خبر می‌دهد. این شرکت می‌گوید که کاهش در واردات و تمرکز بر تولیدات داخلی، از برنامه‌هایی است که برای آینده روی دست دارد. به گفته مسوولان در این نهاد، رسیدن پیش از وقت زمستان، رشد نفوس، افزایش ساحات غیرپلانی و سیر صعودی کارهای اقتصادی از جمله مشکلات اخیر بی‌برقی در پایتخت است.

به باور مسوولان، نیاز کابل به برق این روزها به نقطه اوج رسیده است، زیرا هنوز هم برق از سوی بعضی‌ها دزدیده می‌شود. با این همه، شرکت برشنا تصریح می‌کند که شبکه برق کابل را توسعه داده است و این شرکت می‌تواند ۱۵ ساعت برق در یک شبانه‌روز به مشتریان عرضه کند. مسوولان شرکت برشنا می‌گویند که بخشی از عایدات این شرکت در مناطق ناامن کشور توسط گروه طالبان جمع‌آوری می‌شود. این شرکت در حالی از «برنامه استراتژیک» برای مهار بی‌برقی و برگشت برق‌رسانی به روال عادی سخن می‌گوید که شماری از پایتخت‌نشینان هنوز در فصل سرما برای ساعت‌ها برق ندارند.

پس از اعتراض پایتخت‌نشینان در مورد بی‌برقی، اکنون شرکت برشنا می‌گوید که برنامه جدیدی روی دست دارد. به گفته مسوولان در این شرکت، کاهش در واردات و تمرکز بیشتر بر تولیدات داخلی برق، از برنامه‌های این نهاد برای مهار بی‌برقی شمرده می‌شود. سلیم سلیمی، معین عملیاتی شرکت برشنا، روز یکشنبه، نهم قوس، در یک نشست خبری گفت که این شرکت افزون بر واردات برق، روی تولیدات داخلی نیز تمرکز دارد. وی از گشایش پروژه‌های ۴۰ میگاووات برق سولری در قندهار، ۴۰ میگاووات برق گازی در شیرگان و هم‌چنان پروژه برق گازی بلخ با ظرفیت ۵۰ میگاووات که قرار است تا دو سال دیگر تکمیل شود، به عنوان تلاش‌ها در این بخش یاد کرد. آقای سلیمی افزود که قرارداد چهار پروژه دیگر با ظرفیت ۱۲۰ میگاووات برق به کمک مشارکت عمومی و خصوصی امضا شده و قرار است شامل سیستم برق شود.

به گفته آقای سلیمی، ارزان بودن برق و بالا بودن هزینه‌ی تاسیسات برق در داخل کشور، از جمله

عواملی است که سرمایه‌گذاران علاقه کم‌تری به این بخش دارند. بر اساس معلومات این نهاد، علاوه بر واردات برق از بیرون، هنوز شهروندان به برق بیشتر نیاز دارند. بر اساس پیش‌بینی‌ها، کابل هنوز به ۳۰۰ میگاووات برق بیشتر ضرورت دارد؛ موردی که از سوی این شرکت به عنوان «یک فرصت برای جلوگیری از خارج شدن سرمایه از کشور» عنوان می‌شود. با این وصف مقام‌ها در شرکت برشنا می‌گویند که با توسعه شبکه برق‌رسانی در کابل، روند توزیع برق در پایتخت به روال عادی خود برگشته است. آنان تصریح می‌کنند که پایتخت در این روزها به نقطه اوج نیاز ۷۶۰ میگاوواتی برق رسیده است و این رقم نظر به سال پار ۸۰ میگاووات افزایش را نشان می‌دهد.

به باور معین عملیاتی شرکت برشنا، زمستان زودرس، افزایش نفوس و سیر صعودی فعالیت‌های اقتصادی در پایتخت، سبب شده است تا نیاز به برق در کابل

افزایش یابد. به گفته‌ی این شرکت، اکنون با افزایش ۱۵۰ میگاووات برق به سیستم برق کابل، برق موجود پایتخت به ۴۸۰ میگاووات می‌رسد. مسوولان تصریح می‌کنند که روند توزیع برق در این روزها «روال عادی» خود را می‌پیماید. به گفته سلیم سلیمی، این نهاد هم اکنون می‌تواند در یک شبانه‌روز ۱۵ ساعت به مشتریان توزیع کند.

شرکت برشنا در حالی از برگشت برق‌رسانی به روال عادی آن صحبت می‌کند که بیشتر بخش‌های کابل برق کافی ندارد و حتی درصد برق‌رسانی در روزهای اخیر به پنج ساعت در یک روز رسیده است.

افزون بر این موارد، شرکت برشنا می‌گوید که روند جمع‌آوری پول صرفیه برق را آغاز کرده است. مصطفی آریا، مشاور ارشد این شرکت، گفت: «زورمندان و برخی از مردم بل‌های‌شان را پرداخت نمی‌کنند، شرکت‌ها میترهای رهایشی گرفته‌اند و برخی دیگر



از مردم مستقیم لین کشی کرده‌اند.» وی اما در مورد این که ۴۰ درصد از عواید شرکت برشنا به دست طالبان می‌افتد، معلومات ارایه نکرد. پیش‌تر خبرهایی نشر شده است که بخشی از عایدات این شرکت در شماری از مناطق ناامن کشور به جیب گروه طالبان می‌رود و حتی بل صرفه برق از سوی این گروه مهر و نشان می‌شود؛ موردی که شرکت برشنا درباره آن اطلاعات نمی‌دهد.

در حال حاضر ۲۵ ولایت کشور به شبکه ملی برق وصل است و کار روی وصل کردن چهار ولایت جریان دارد. قرار است پنج ولایت دیگر نیز تا پنج سال آینده با تولیدات داخلی از انرژی قابل تجدید روشن شود. براساس آمارها، کابل در حال حاضر به ۷۶۰ میگاووات برق ضرورت دارد. گفتنی است که با وجود برق وارداتی از کشورهای همسایه و استفاده از تولیدات داخلی، هنوز شماری از مناطق پایتخت برای ساعت‌ها برق ندارد.

## چرا دیوار کنسولگری ایران از جلادهی مرکزی هرات برداشته نمی‌شود؟

کوروش کاویانی

از مقام‌های محلی هرات در صحبت با رسانه‌ها آن‌را تأیید کرد؛ اما بعداً اداره‌ی محلی هرات این مسأله را رد کرد و پافشاری نمود که شهردار هم‌چنان به کارش ادامه می‌دهد.

دیپلمات‌های ایرانی در آن زمان مدعی شدند که تخریب بخشی از دیوار، سبب آسیب‌رسیدن به سیستم‌های مرکز «صدور ویژه» شده است و در نخستین اقدام، روند صدور ویژه برای ساکنان ولایت‌های زون غرب کشور که از طریق کنسولگری ایران در هرات انجام می‌شد را توقف دادند.

در ولایت‌های غربی کشور، روزانه هزاران درخواست‌دهنده ویژه‌ی ایران پشت دروازه کنسولگری این کشور صف می‌کشیدند و توقف روند صدور ویژه، سبب «اعتراض شدید» آنان بر ضد شهرداری هرات شد و انتقادها از شهردار افزایش یافت.

با فشار مقام‌های ایرانی، بخشی از دیوار و موانعی که از سوی شهرداری هرات برای عقب‌نشینی خیابان، تخریب شده بود، دوباره توسط خود شهرداری بازسازی شد و این یعنی «زور شهردار هرات» به «کنسولگری ایران» نرسید و دیوار این نهاد دیپلماتیک وسط خیابان باقی ماند.

از زمان تخریب موانع مقابل دیوار کنسولگری ایران در هرات، تاکنون تلاش و رأی‌زنی‌های حکومت افغانستان برای برداشتن آن سودی نداشته است. هرچند در پشت دیوار، ساختمان‌ها و دیوار جدید ساخته شده است؛ اما مقام‌های ایرانی حاضر نیستند اجازه دهند که این مانع از خیابان مرکزی هرات برداشته شود.

شماری از مرکزهای مهم دولتی و تجاری در مسیر همین خیابان موقعیت دارد و این امر سبب افزایش رفت‌وآمد از آن شده است. افزون بر این، شفاخانه‌ی حوزه‌های هرات نیز در این مسیر است و راه‌بندان‌های طولانی مشکل بزرگی برای تردد آمبولانس‌ها ایجاد کرده است.

هراتیان وقتی در راه‌بندان‌های بزرگ خیابان مرکزی شهر ساعت‌ها منتظر می‌مانند، با ناامیدی از مقابل ساختمان کنسولگری ایران می‌گذرند و در ذهن خود این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا دیوار کنسولگری ایران برداشته نمی‌شود؟



هرات چنین بود که این اقدام با هماهنگی و اطلاع قبلی مقام‌های ایرانی انجام شده است؛ اما کنسولگری ایران آن‌را «اقدام خودسر» عنوان کرد.

با اعتراض مقام‌های ایرانی، فرماندهی پولیس هرات وارد عمل شد و شخص جنرال مجید روزی، فرماندهی پولیس وقت هرات، برای توقف روند تخریب موانع امنیتی دیوار کنسولگری ایران، به این محل آمد و اجازه نداد تخریب دیوار ادامه پیدا کند.

پس از تخریب موانع، نشست فوری با حضور والی، سرکنسول ایران، شهردار، مقام‌های ارشد نظامی و رییس نماینده‌گی وزارت امور خارجه در هرات برگزار شد. خبرهایی که بعداً از این نشست به بیرون درز کرد، حکایت داشت که مسأله با مقام‌های ارشد حکومت مرکزی افغانستان در میان گذشته شده و تخریب موانع امنیتی کنسولگری ایران، به جنجال دیپلماتیک بدل شده است.

با پایان این نشست، آوازه‌هایی در مورد «برکناری و معرفی شهردار هرات به سارنوالی» نشر شد و حتی یکی

موانع عقب‌نشینی خیابان مرکزی شهر، یکی پی دیگری از بین برده شد و در برخی موارد تخریب «مسجد، زیارت و گورستان» در مسیر این خیابان جنجال بر پا کرد و انتقادهای تندی به نشانی شهرداری هرات حواله شد.

همه‌چیز به خوبی پیش رفت و هنگامی که جایگاه‌های برخی از افراد زورمند در امتداد خیابان از سوی شهرداری تخریب شد، سایر افرادی که املاک‌شان در این مسیر بود، بدون مقاومت در برابر اجرای روند عقب‌نشینی، اجازه دادند تا جایگاه‌ها تخریب شود و روند اجرای بزرگ‌سازی خیابان اصلی هرات پیش برود.

در این میان، «بزرگ‌ترین» مانع اجرای این روند، بخشی از دیوار کنسولگری ایران در هرات بود. کم‌تر کسی در این شهر باور داشت که شهرداری بتواند این مانع بزرگ را از سر راه عقب‌نشینی خیابان مرکزی بردارد.

در میان نابوری هراتیان، در ماه جدی سال ۱۳۹۴ خورشیدی، بلدوزرهای شهرداری، موانع پیاده‌رو مقابل دیوار کنسولگری ایران را تخریب کرد. روایت شهرداری

حدود شش سال از عقب‌نشینی خیابان مرکزی هرات می‌گذرد و تاکنون دیوار کنسولگری ایران در این شهر که «مانع بزرگی» در خیابان ایجاد کرده و سبب راه‌بندان‌های طولانی شده، سر جایش مانده است و ظاهراً «هیچ‌کس» توان برداشتن آن‌را ندارد.

درست به یاد دارم که چند سال پیش، غلام دستگیر همایون، مدیر ترافیک پیشین هرات که از سوی مردان مسلح در منطقه‌ی «شیدایی» گلوله‌باران و کشته شد؛ این دیوار را به «غده‌ی سرطانی» تشبیه کرده بود و باور داشت، عامل اصلی «راه‌بندان و بی‌نظمی ترافیکی» در خیابان مرکزی شهر، همین دیوار است و باید کنسولگری ایران آن‌را تخریب کند.

اجرای عقب‌نشینی خیابان مرکزی هرات، از برنامه‌های توسعه‌ای بود که سال‌ها پیش نهایی شده بود. بر اساس طراحی‌های «آینده‌محور» مقام‌های محلی وقت هرات، نازوهای کهن‌سال خیابان مرکزی به گونه‌ای کاشت شده بود که با اجرای عقب‌نشینی خیابان، به آن‌ها آسیبی نرسد.

زمانی که فرهاد نیایش، شهردار پیشین هرات روند بزرگ‌سازی خیابان مرکزی شهر را آغاز کرد، زورمندان «ریز و درشت» که منافع‌شان با اجرای این طرح به خطر می‌افتاد، تلاش کردند تا مانع آن شوند و از راه‌های گوناگون کوشیدند در روند اجرای بزرگ‌سازی خیابان، سنگ‌اندازی کنند.

کار تا جایی رسید که افراد وابسته به یکی از نماینده‌گان برحال هرات در مجلس نماینده‌گان که بخشی از املاک او وابسته‌گانش در این مسیر قرار داشت، با «سنگ و چوب» به جان بلدوزرهای شهرداری هرات افتادند و خواستند مانع تخریب جایگاه‌های‌شان شوند؛ اما شهردار کوتاه نیامد و روند عقب‌نشینی را ادامه داد.

در امتداد خیابان مرکزی هرات، موانع گوناگون فرا راه پیش‌برد روند عقب‌نشینی وجود داشت، از مسجد و زیارت گرفته تا گورستان و خانه‌های رهایشی. همه‌ی این‌ها سبب کندی اجرای روند بزرگ‌سازی خیابان اصلی هرات بود؛ اما هیچ‌کدام مانع اجرایش نشد.



## آرامگاه واعظ کاشفی؛

## لانه معتادان دیروز، جاذبه گردشگری امروز

کاشفی را در پاسداری از هویت تاریخی هرات ارزنده می‌داند.

بر اساس معلومات ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات، هم اکنون روند بازسازی چند بنای مهم تاریخی دیگر در این ولایت، از جمله آرامگاه امام فخرالدین رازی، حوض وزیر، مجموعه تاریخی مصلی، گدام‌های تاریخی، مسجد جامع بزرگ، مسجد جامع امیرعلی شیر نوایی و گنبد غازی در ولسوالی «زنده‌جان» هرات جریان دارد.

افزون بر این، بررسی‌های ابتدایی برای آغاز عملی مرمت آرامگاه مولانا عبدالرحمان جامی و استاد کمال‌الدین بهزاد هروی، ادامه دارد و به زودی کار بازسازی این بناهای باستانی آغاز خواهد شد. پیشنهاد بازسازی باغ گوهرشاد بیگم و چند بنای تاریخی مهم دیگر نیز از سوی اوزبیکستان به ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات رسیده و کار روی آن‌ها جریان دارد.

واعظ کاشفی، نگارش‌گر «تفسیر کبیر قرآن» است که از آن به عنوان «بزرگ‌ترین تفسیر در تاریخ اسلام» یاد می‌شود و جز او فرد دیگری نتوانسته چنین تفسیری بنویسد. در متون تاریخی آمده که در نشست‌های درسی واعظ کاشفی، دوهزار دانشمند از سراسر جهان اشتراک می‌کردند که این نشان‌گر جایگاه ویژه علمی این عالم بزرگ می‌باشد.

کمال‌الدین مولانا حسین واعظ کاشفی، نویسنده چیره‌دست عصر تیموریان در هرات بود. او به دلیل تسلط بر حوزه‌های گوناگون عملی به «جامع‌العلوم» شهرت داشت و مفسر قرآن، ستاره‌شناس، ریاضی‌دان و موعظه‌گری نام‌دار بود و از وی بیش از ۱۰ اثر علمی - تحقیقی به یادگار مانده است.

باورها بر این است که مرمت و بازسازی آرامگاه و باغ کمال‌الدین مولانا حسین واعظ کاشفی، که پیش از این مخروبه‌ای بیش از آن باقی نمانده بود و به «لانهای برای معتادان مواد مخدر» بدل شده بود، سبب حضور بیش‌تر گردشگران فرهنگی به هرات خواهد شد.



در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بازسازی بناهای تاریخی، موجب حفاظت از تمدن هرات می‌شود و جایگاه تاریخی و فرهنگی این شهر هم‌چنان باید درخشان بماند.

از دید او، در هرات حدود ۸۷۰ «آبده تاریخی ثبت شده» وجود دارد، اما گمان می‌رود که بیش از یک هزار ساحه تاریخی در این ولایت وجود داشته باشد که تا هنوز از دید مسوولان پنهان مانده است. وی تأکید دارد که قسمت زیادی از آثار باستانی هرات، نیازمند بازسازی است و حکومت باید به آن رسیده‌گی کند.

از جانب دیگر، داکتر نوراحمد حیدری، معاون والی هرات، پافشاری دارد که حکومت مرکزی و اداره محلی هرات، برای بازسازی آثار تاریخی همواره کوشیده‌اند تا ساحات باستانی‌ای که به مرمت و بازسازی نیاز دارد را حفظ کنند.

معاون والی هرات، توجه نهادهای خارجی به نگهداری از آثار باستانی به ویژه پشته‌بانی مالی سفارت ایالات متحده امریکا از بازسازی آرامگاه مولانا حسین واعظ

«سازمان یونسکو» انجام شده و در بازسازی آن بر حفظ معماری اصیل دوره تیموریان تلاش شده است. بازسازی این بنای تاریخی شامل به‌سازی مقبره، چمن‌کاری محوطه، سنگ‌فرش صحن، خشت‌فرش بام‌ها، ساخت سیستم روشنایی، تنظیم سیستم آبیاری و بازسازی دیوارهای اطراف را شامل می‌شود.

عبدالحیب نوری، رییس دفتر «ACHCO/حفظ میراث‌های فرهنگی افغان» که مسوول اجرای پروژه بازسازی آرامگاه واعظ کاشفی است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در مرمت این آبدیه تاریخی بیش‌تر از ۳۰۰ هزار دالر امریکایی مصرف شده است.

به گفته‌ی او، کار مرمت این بنای تاریخی حدود یک سال طول کشید و این دومین پروژه‌ای است که در هرات از سوی این دفتر اجرا می‌شود. پیش از این، پروژه بازسازی مقبره‌های شاهزاده‌گان هرات (شاهزاده قاسم و شاهزاده عبدالله) در سال ۱۳۹۳ خورشیدی انجام شده بود.

محمدصدیق میر، هرات‌شناس و آگاه امور فرهنگی،

بازسازی آرامگاه و باغ «کمال‌الدین مولانا حسین واعظ کاشفی» که از یک سال پیش در هرات آغاز شده بود، به پایان رسید و روز یکشنبه، نهم قوس، این ساختمان تاریخی به ریاست اطلاعات و فرهنگ سپرده شد. مسوولان نهاد «ACHCO/حفظ میراث‌های فرهنگی افغان» می‌گویند که بازسازی این ساختمان با حمایت مالی سفارت امریکا انجام شد و برای مرمت آن ۳۰۰ هزار دالر به مصرف رسید.

کارشناسان امور فرهنگی به این باور اند که هرات با داشتن تاریخ کهن، ساحات باستانی زیادی دارد که تا هنوز از دید مسوولان فرهنگی پنهان مانده و بسیاری از آن‌ها نیازمند مرمت و بازسازی است. به باور آنان، حفظ میراث‌های فرهنگی موجب پیدایش کار برای اهالی بومی مناطق تاریخی و درآمد برای حکومت خواهد شد. مقام‌های محلی هرات، از تلاش حکومت مرکزی و اداره محلی برای مرمت آبدیات تاریخی سخن می‌گویند و تأکید بر حفظ آبدیات تاریخی این ولایت دارند. از دید آنان، حفظ میراث فرهنگی در رأس برنامه‌های حکومت است و تلاش‌ها برای بازسازی ساحات تاریخی و آثار باستانی ادامه دارد.

ریاست اطلاعات و فرهنگ هرات، از کار هم‌زمان روی چند بنای تاریخی دیگر در این ولایت خبر می‌دهد که هزینه‌اش از سوی حکومت افغانستان و کشور ترکیه پرداخت می‌شود. از دید این نهاد، پشته‌بانی حکومت از بازسازی بناهای باستانی در هرات بی‌سابقه بوده و تا کنون به این گسترده‌گی برای بازسازی آبدیات تاریخی هزینه نشده است.

آریا رووفیان، رییس اطلاعات و فرهنگ هرات، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که در سال جاری، نزدیک به ۲۵۰ میلیون افغانی برای بازسازی آثار باستانی هرات به مصرف رسیده و کار روی برخی از پروژه‌ها هنوز جریان دارد و ۸۰ درصد پول این پروژه‌ها، از بودجه حکومت پرداخت شده است.

بازسازی این مجموعه تاریخی مطابق معیارهای

## چرا اقتصاد مبتنی بر تولید در افغانستان شکل نگرفته است؟



محمد آقا هاشمی، استاد دانشگاه

پول، تضعیف واحدهای تولیدی و زدودن ذهنیت سرمایه‌گذاری و بی‌ثباتی اقتصاد می‌شود. بنابراین ایجاد می‌کند که قبل از هر چیزی شاخص‌های اندازه‌گیری موثریت کمک‌ها ایجاد و توزیع عادلانه‌ی کمک‌ها حسب اولویت‌ها و تخمین نتایج و بازدهی اقتصادی آن روی واحدهای تولیدی مشخص شود. هم‌چنان قانون تدارکات تعدیل و تطبیق پروژه‌ها توسط نخستین شرکت قراردادکننده الزامی شود.

دولت می‌تواند با فساد اداری به شکل قاطع مبارزه کند و صادرات و تولیدکننده‌گان را مورد تشویق و سوبسیدهای دولتی قرار دهد. هم‌چنان مالیات سنگین بالای واردات اجناس غیر ضروری و تجملی وضع کند و زمینه را برای شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر تولید فراهم سازد.

## منبع‌ها

۱. علی اکبر مجددی، فصل‌نامه یعلمی - پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷
۲. کریم امامی، فصل‌نامه‌ی اقتصاد مالی، دوره ۹، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۴
3. <https://8am.af/international-community-economy-in-afghanistan/>
4. [http://ecj.iauctb.ac.ir/article\\_515782.html](http://ecj.iauctb.ac.ir/article_515782.html)
5. <http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=28122>

عدم اولویت‌بندی پروژه و برخورد سلیقه‌ای در تطبیق پروژه‌ها از جمله موارد مهمی است که موثریت کمک‌ها را در روند توسعه‌ی اقتصادی در کشور زیر سوال برده است. این نوع کمک‌ها روی زنده‌گی و اقتصاد عامه‌ی مردم در طولانی‌مدت نه تنها مثبت؛ بلکه حتا منفی پیمایش شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که رابطه میان کمک‌های خارجی و تولید ناخالص داخلی، امید به زنده‌گی، آموزش، افزایش جمعیت، توسعه‌ی انسانی و واردات مثبت بوده است؛ اما رابطه بین کمک‌های خارجی و شرایط امنیتی، کاهش تولید مواد مخدر، بی‌کاری، رفاه، سطح تولیدات، سرمایه‌گذاری و صادرات منفی است. بر این اساس، کمک‌های خارجی در بهبود وضعیت امنیتی، وضعیت بی‌کاری، اشتغال و از همه مهم‌تر تولیدات داخلی و صادرات افغانستان موثر نبوده است؛ اما در زمینه‌ی وضعیت دسترسی مردم به خدمات آموزشی و بهداشتی و توسعه‌ی انسانی و واردات، بهبود به میان آورده است. تأمین کمبود ارز از طریق کمک‌های خارجی منجر به افزایش واردات اقلام تجملی و ضروری شده است و اقتصاد را از مسیر طبیعی آن (اقتصاد مبتنی بر تولید) منحرف می‌سازد و به اقتصاد مصرفی تبدیل می‌کند.

واردات بیش از حد، چندین دست‌شدن قراردادهای، نحوه‌ی مصرف کمک‌ها و انگیزه‌ی مصرفی آن موجب افزایش سرسام‌آور نرخ ارز و بی‌ثباتی ارزش

آن ضروری پنداشته شده است. مهم‌ترین فکتورهای اقتصادی متأثر از کمک‌های جامعه‌ی جهانی در افغانستان، کمبود پس‌انداز، محدودیت‌های منابع مالی و کمبود ارز است که با تداوم مداوم کمک‌ها از نخستین کمک مالی از سوی کمپنی هند شرقی در زمان تسلط بریتانیا بر هند به افغانستان و مددجویی شاه امان‌الله خان از فرانسه، آلمان و امریکا تا کمک‌های ۱۳،۲ میلیاردی تعهدشده‌ی جامعه‌ی جهانی در ژنو، خلاهای موجود در فکتورهای متذکره پر شده است. عمدتاً در اقتصادهای مبتنی بر تولید، تلاش صورت می‌گیرد تا فکتورهای چون کمبود پس‌انداز، محدودیت‌های منابع مالی و کمبود ارز از طریق اعمال سیاست‌های پولی و مالی و تسهیل و تشویق صادرات تأمین شود. این امر موجب بهبود وضعیت اقتصادی می‌شود و به شکل طبیعی رشد اقتصادی را به دنبال دارد و اقتصاد مبتنی بر تولید را قوت می‌بخشد.

کمک‌های جامعه‌ی جهانی با وصف آن که انگیزه‌ی آن به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی و شروط مصرفی کمک‌های کشورهای کمک‌کننده قرار دارد، با آن هم مدیریت و چگونگی استفاده از کمک‌ها با توجه به نتایج و پیامدهای منفی آن روی شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر تولید، قابل تأمل است. فساد اداری، چندین دست‌شدن قراردادهای در عملی شدن پروژه‌ها، نبود هماهنگی لازم بین دولت افغانستان، تمویل‌کننده‌گان و موسسات تطبیق‌کننده‌ی خارجی و از همه مهم‌تر

اخیراً نشست ژنو در مقر سازمان ملل متحد با اشتراک ۶۶ کشور و ۳۲ سازمان بین‌المللی برگزار شد که در آن به بیش‌تر از ۱۳ میلیارد دالر کمک برای چهار سال آینده افغانستان با تأکید بر حفظ ارزش‌های حقوق بشری و برقراری آتش‌بس تعهد صورت گرفت. ماهیت وجودی کمک‌ها در اقتصاد بین‌الملل با توجه به موثریت کمک‌های امریکا به اروپا بعد از جنگ جهانی دوم، مبتنی بر موفقیت پلان مارشال دارای پشتوانه‌ی منطقی به لحاظ تیوری‌های اقتصاد است. اما نحوه‌ی استفاده از کمک‌ها، تشخیص اهداف اقتصادی، شرایط ویژه‌ی اقتصادی و سیاسی در موثریت کمک‌ها روی رشد و توسعه‌ی اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

در این نوشته موثریت و عدم موثریت کمک‌های جامعه‌ی جهانی در فکتورهای مختلف ارزیابی، اثر منفی تداوم کمک‌ها در عدم شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر تولید در افغانستان بررسی و راهکارهای مناسب جهت استفاده‌ی موثر از کمک‌های جامعه‌ی جهانی در چهار سال آینده، پیشنهاد شده است.

افغانستان از مدت مدیدی است که از کمک‌های جامعه‌ی جهانی بدون در نظر داشت هیچ‌گونه شاخص اندازه‌گیری موثریت کمک‌ها مستفید می‌شود؛ اما کم‌ترین توجه به نتیجه و پیامدهای آن نشده است و صرفاً بر تداوم کمک‌ها بدون تعیین اهداف اقتصادی از قبل مشخص‌شده تولیدمحور تأکید شده و وجود

دبیر بخش ویدیو:  
خبرنگاران:

ویراستاران:  
صفحه آرایی:  
پذیرش اعلان:  
نشانی پستی:  
نشانی دفتر کابل:  
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز:  
مدیرمسئول:  
سر دبیر:  
دبیر گزارش‌ها:  
دبیر بخش خبر:  
دبیر بخش صلح:  
دبیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

سنجر سهیل  
محبوب مهرداد  
خلیل ابرار  
حسبب بهش  
علی شاه حقمیل  
آسیه حمزه‌ای  
sanjarsohail@yahoo.com  
mujib\_mehrdad@yahoo.com  
8am.daily@gmail.com

Publisher:  
Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief:  
Mujib Mehrdad  
mujib\_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/HashteSubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

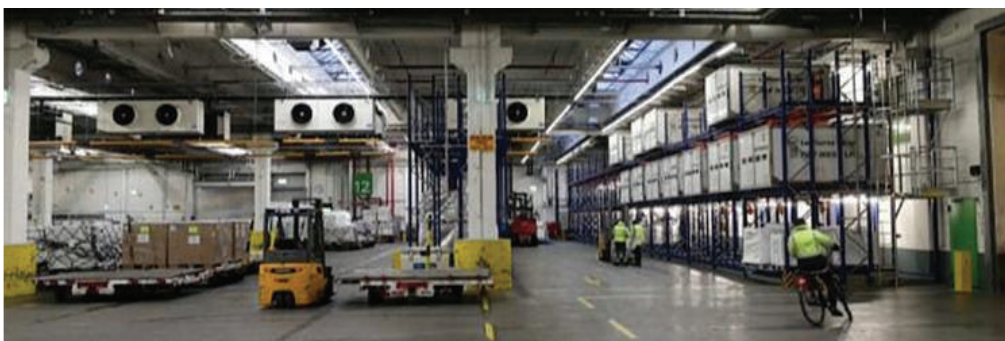




### مشاور فرمانده سپاه: نمی‌توانیم با مساله ترور فخری‌زاده برخورد احساسی کنیم

به گزارش رادیو فردا، در ادامه واکنش‌های مقام‌های جمهوری اسلامی به ترور محسن فخری‌زاده، رییس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع ایران، محمداسماعیل کوثری، مشاور فرمانده کل سپاه پاسداران، گفت که «نمی‌توانیم احساسی با مساله برخورد کنیم». این مقام نظامی سپاه روز یکشنبه، ۹ قوس، به خبرگزاری ایلنا گفته است که با مساله ترور فخری‌زاده احساسی برخورد نمی‌کند، اما «هیچ موقع» این را فراموش نمی‌کند. آقای کوثری همچنین گفته که «انتقام» ترور آقای فخری‌زاده را خواهند گرفت، اما در ادامه تأکید کرده که «زمان، مکان و نوع آن مشخص نیست و دست مسوولان است که باید آن را مشخص کنند». این در حالی است که برخی فعالان رسانه‌ای نزدیک به سپاه در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی با ادعای این‌که این ترور توسط اسرائیل انجام شده است، خواهان واکنش نظامی نسبت به آن شده‌اند. در این میان حسین شریعتمداری، مدیر مسوول روزنامه کیهان چاپ ایران، در سرمقاله این روزنامه نوشته است، وقت آن رسیده که جمهوری اسلامی به شهر حيفا در اسرائیل حمله موشکی کند. محسن فخری‌زاده مهابادی، چهره ارشد برنامه هسته‌ای ایران و رییس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع این کشور، روز جمعه، ۷ عقرب، در شهر آب‌سرد دماوند مورد سوءقصد قرار گرفت و کشته شد. محمداسماعیل کوثری پیش‌تر جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران و دو دوره‌ای نیز نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است.

### میدان هوایی فرانکفورت: آماده ارسال واکسین کرونا در دمای بسیار پایین هستیم



فرانکفورت را درگیر خواهد کرد. مکس فیلیپ کنراد، مسوول زیرساخت‌های شرکت فرایپورت میدان هوایی فرانکفورت می‌گوید: «همین حالا [آکارسناسان] درباره ضرورت واکسین‌های یادشده صحبت می‌کنند. در این صورت باید مشابه همین عملیات را هر سال یا هر دو سال یک بار، تکرار کنیم.» انجمن بین‌المللی حمل‌ونقل هوایی (ایاتا) با صدور بیانه‌ای اعلام کرده است که انتقال واکسین کووید-۱۹ از کشورهای تولیدکننده به نقاط مختلف جهان بزرگ‌ترین چالش تاریخ صنعت حمل‌ونقل هوایی است. نتایج یک پژوهش نشان می‌دهد که برای صادرات ۱۰ میلیارد دوز واکسین کووید-۱۹ در دو سال آینده دست‌کم به ۱۵ هزار پرواز نیاز است. تاکنون چند مرکز تحقیقاتی در آلمان، بریتانیا، چین، روسیه و ایالات متحده اعلام کرده‌اند که موفق به تولید واکسین کووید-۱۹ کارآمد و کم‌خطر شده‌اند. با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر جهان، ریشه‌کن کردن این پاندمی به واکسیناسیون جهانی نیاز دارد.

میدان هوایی بین‌المللی فرانکفورت آلمان با وجود افت قابل توجه شمار پروازها به دلیل محدودیت‌های مسافرتی و قرنطین، برای ارسال واکسین کووید-۱۹ به سراسر جهان آماده می‌شود. به گفته‌ی کارشناسان بخش صادرات دارویی، این میدان هوایی از همین حالا به مضاف این چالش‌ی سابقه رفته است. به گزارش یورونیوز، کارکنان انبار داروی میدان هوایی بین‌المللی فرانکفورت، جایی که همین حالا هر روز صدها تن دارو را در دمای پایین نگهداری و آماده پرواز می‌کنند، می‌گویند که نگرانی اجرای درست و دقیق ماموریت جدید پیشاپیش آن‌ها را درگیر کرده است. با این حال، کارین کرستان، مدیر حمل‌ونقل (کارگو) شرکت لوفتهانزا معتقد است که روند و برنامه‌ریزی اجرای این عملیات برای آینده نزدیک، تاکنون دقیق بوده است. واکسین‌های تولید شده برای مبارزه با ویروس کرونا به نگهداری در دمای بسیار پایین (منفی ۶۰ تا ۷۰ درجه سانتی‌گراد) نیاز دارند. مقام‌های هوانوردی آلمان می‌گویند که صادرات واکسین کووید-۱۹ دست‌کم تا پایان سال ۲۰۲۱، میدان هوایی

### مونه‌نگرو و صربستان سفیران یکدیگر را اخراج کردند

مونه‌نگرو و صربستان در پی افزایش تنش دیپلماتیک میان دو کشور، سفیران یکدیگر را اخراج کردند. به گزارش یورونیوز فارسی، دولت طرفدار غرب در مونه‌نگرو «دخالت طولانی و مداوم در امور داخلی مونه‌نگرو» را دلیل اخراج ولادیمیر بزویچ، سفیر صربستان، اعلام کرد. این اقدام دولت سوسیالیست مونه‌نگرو چند روز پیش از برگزاری مراسم تحلیف دولت مخالف اتحادیه اروپا و حامی صربستان انجام شد. حزب دموکراتیک سوسیالیست (DPS) مونه‌نگرو در جریان انتخابات پارلمانی ماه اگست گذشته، قدرت مطلق ۳۰ ساله خود را به ایتلافی از احزاب مخالف اتحادیه اروپا واگذار کرد. وزارت خارجه صربستان نیز روز شنبه و در واکنشی متقابل از تارزان میلو سویچ، سفیر مونه‌نگرو، خواست تا ظرف ۷۲ ساعت خاک این کشور را ترک کند؛ رخدادی که به روابط پرتنش دو کشور منطقه بالکان که پیش از برگزاری همه‌پرسی استقلال مونه‌نگرو در سال ۲۰۰۶ کشوری واحد به شمار می‌رفتند، افزوده است. مونه‌نگرو مقام‌های صربستان را به کمک به نیروهای سیاسی طرفدار این کشور برای بازگشت به قدرت و بازیابی مجدد نفوذشان در مونه‌نگرو متهم کرده است، به طوری که وزارت خارجه مونه‌نگرو در بیانیه اخیرش ادعا کرده که سفیر صربستان در یک سخنرانی با توصیف تصمیم سال ۱۹۱۸ برای پیوستن به پادشاهی متحد صربستان، کرواسی و اسلونی را نماد «آزادی‌خواهی» مردم مونه‌نگرو و «آزادسازی» این کشور توصیف کرده است؛ اقدامی که وزارت خارجه مونه‌نگرو آن را بی‌احترامی به حق حاکمیت ملی این کشور قلمداد کرده است. پارلمان مونه‌نگرو در سال ۲۰۱۸ میلادی مصوبه مجمع ملی در سال ۱۹۱۸ را لغو کرده و آن را نماد سلب حق حاکمیت ملی این کشور عنوان کرده بود.

## اطفال ما آینده ما است

### اطفال تان را در مقابل پولیو واکسین کنید و آیند افغانستان را درخشان سازید

اطفال تان را هر بار با دادن دو قطره واکسین پولیو از مرض پولیو نجات دهید



## زمور ماشومان زمور راتلونکی دی

### خپل ماشومان مو د پولیو په وړاندې واکسین کړئ او د افغانستان راتلونکی روښانه کړئ

هر ځل خپلو ماشومانو ته د پولیو دوه څاڅکې واکسین ورکړئ تر څو له دې ناروغي څخه خوندي وي

